

در صفحات دیگر این شماره:

- ۱۶ صفحه یاد رفیق پیکارگر مسلم خلیج گوانی باد
- ۷ صفحه نهاجم گسرد: ارتجاع بد نیروهای انقلابی و مردم مبارز رشت
- ۱۳ صفحه آئینه زنده همبرابر توفان انقلاب (۱)
- ۹ صفحه مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون یادهای
- ۹ صفحه شیخ محمد منتظری (۲)
- ۷ صفحه داستان "شعله تراسی" و خداشناس شدن جهگوارا در تلویزیون صفحه

۲۸ مرداد ۱۳۵۸ روز فتوای آیت الله خمینی برای یورش به کردستان

هجوم به آزادسهای د مکرانیک که پیش در آمد
یورش به کردستان سودا فتوای آیت الله
خمینی معنی بر حمله به کردستان در روز
۲۸ مرداد ۱۳۵۸ کا ملترکت

صفحه ۵

«قانون شوراهاى اسلامى» «قانون» یورش به شوراهاى واقعی صفحه ۳

ترور پیکارگران در بند بدست رژیم جمهوری اسلامی



خمد روز میل دوس از رفقای سکا رکر
سامپای مسعود صالحی را در دانشجوی سال
چهارم در تکه دیزکی سیریا و غلب نجم
الدینی که هر دو عضو سکیلات دانشجویان
و دانش آموزان هوا دارا زمان بوده و
۱۳ مرداد در مجرم بخش اعلامیه در زندان
رژیم جمهوری اسلامی بر میزدند، بدست
زندانیان رژیم در میانهای اطراف
تبریز بطرز وحشیانه ای شهادت رسیدند.
ترور انقلابیون و سوزده کمونیستها
یکی از نشانه های شناخته شده است که
رژیم های ارتجاعی در مقابل ما همیشه
انقلابی خلعها نکا بر میزدند. در ایران نیز
چند روزمان تا عاشق و جدا امروز (در رژیم
جمهوری اسلامی) بارها با اس ششوه
فرزندان دلیر خلق به شهادت رسیده اند.
شعبه در صفحه ۲

سازش موقت

نگاهی به سازش شکننده
دو جناح حکومت بر سر انتخاب
نخست وزیر

هفته پیش ظاهرا با پیشنهادی صدر
و با شد مجلس رجائی به بحث و بررسی
جمهوری اسلامی سرگرم شده و بلافاصله
سرای تکمیل گامه آغاز نمود. انتخاب
رجائی بعنوان نخست وزیر و سرپرست
مسئولیت دولت به او پس از چندین ماه
کشمکش درونی و بیرونی میان جناحهای
حکومت مسوا بدکوشه ای از اختلافات
داخلی خاکمیت را نشان دهد.
اختلافات درونی خاکمیت که بر
سترا و حکمرانی مبارزات انقلابی
و ضد امپریالیستی سوده ها شکل
شعبه در صفحه ۲

رویداد ۲۸ مرداد بار دیگر دو درس اساسی مبارزه پروتاریایی را ثابت کرد:

- ۱- در عصر امپریالیسم تنها با رهبری طبقه کارگر میتوان
بر ارتجاع و امپریالیسم پیروز گشت!
- ۲- برای اس پیروزی و حفظ دستاوردهای آن باید
خلق را مسلح کرد!



اعتصاب کارگری در لهستان جلوه ای از مبارزه بر علیه استعمار در کشورهای روزیونیستی

صفحه ۸

تداوم بحران موجود همچنان گسترده و عمیق تر میشود

رژیم میخواید با سیاستهای
بورژوازی به بحرانی که خود ذاتی
سرمايه داری است پایان بخشد!

هیات خاکمه در مدت ۱۷ ماه بعد از
قیام سوده ها بنوا سنها ستا و صاع را
تشیب نماید. این امر ناشی از بحران
عمیق اقتصادی - اجتماعی و سیاسی
است که در دوران گذشته میخواید با
داده و در مقطعی از تداوم خویش با قیام
شکو همسوده ها رژیم سوده یهلوی را
به زباله دانی تاریخ سپرد. این بحران
که در سده سیم سرمايه داری و استه
دارد با ترکیبی رژیم کت با سده
یهلوی با ان سده رفت و افت و خیز -
هاشی کماکان ادا می افتد. حل نظامی
این بحران که خود را شکل گزافی روز -
امروز اجناس، سوز می با فیه یولسی،
شعبه در صفحه ۱۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

سازش

گرفته و هر روز با تعداداتر زنی از آن عیان تر میشود ، هیئت حا که ضد خلقی ایران را بیش از هر زمان دیگر نتوان و متزلزل ساخته است ، نتوان بدلگسا ط سرکوب توده ها و متزلزل به لحاظ فقدان انجام درونی جناح های حاکمیت جنگی خود به این واقعیت آگاه می دارند لیکن در عین حال قادر به پایان دادن سدان نیستند . جمهوری اسلامی ایران هرگز قادر به تثبیت خود نخواهد شد . زیرا جنبش انقلابی خلق هر روز بیشتر اوج میگردد و رژیم را تحت فشار قرار میدهد ، اکنون دورانی فرا رسیده است که لیبرالها موردتهاجم جناح جمهوری اسلامی قرار گرفته و مهره های آنها ، اینجا و آنجا قدرت اجرایی خود را از دست میدهند . هر کدام از آنها که از جانب " حزب " موردتهاجم واقع میشوند ، به افشای جناح مقابل پرداخته و در این رهگذر خواسته جنایات کل حکومت را بر ملا میسازند . آنها تقصیر را به گردن یکدیگر می اندازند تا آب تپه بر سر اعمال جنایتکارانه شان ریخته شود ولی این توده ها هستند که در می با بند حکومتگران شان چه کسانی بوده اند ؟ چه در یکی دو هفته گذشته " برگ برنده " برای کوبیدن رقیب در دست این یا آن جناح نبوده است تا آنرا بر زمین زند ، اما واقعیت حاکی از آن است که این جنگ قدرت آرا م نگرفته است گرچه آنچنان نظا هر خارجگی نداشتها ند ، یعنی مدبران اجرای مافرتها و ، سخنرانی های متعددی تا قوا میگویند توده ها را بنبغ خود بسج کند ، او عوا مفری به شعار " جمهوری خدای علم کرده است و آنرا علیه حزب بکا رمیکرد : " آنها شی که تشنه قدرت هستند میخواهند زور را تقدیس کنند و از راه مقدس کردن زور اعتراض به حاکمیت زور را غیر ممکن بگردانند و در نتیجه ما سرگردیم به یک شیوه حکومتی استبدادی " (سخنرانی بنی صدر در مسجد انجواد ، اطلاعات ۱۹ مرداد)

به لحاظ حدت همین نهاد بود که کوششهای چندین ماهه بنی صدر برای تشکیل دولتی مرکب از لیبرالهای طرفدار خود به سنجیدگی و با دقت و با احتیاطات " حزب " یعنی مدرنجرها انتخاب نخست وزیری راجائی گردید . در واقع راجائی به بنی صدر تحمیل گردید و این دو جناح حکومت بر سر حمل انتخاب راجائی به سازش رسیدند . راجائی همانطور که ما بعدها می بینیم نشان داده است " لیاقت " و " عرضه " را در حکومت را بویژه در شرایط چنین بحرانی به هیچ وجه ندارد . این فرد بهر مطلق " خط امام " یا حزب جمهوری اسلامی بوده و خواهد بود . نمونه عملگردهای این عنصر را در دوران تعدی بنی وزارت آموزش و پرورش دیده ایم ، او به تدبیرترین وجهی ، نمایان انقلابی را سرکوب و اخراج نمود آموزش و پرورش کردستان را منحل کرد ، محیط خفان و سرکوب را در دبیرستان ها و آموزشگاهها بوجود آورد . . . از سببه های " خدمت " این عنصر به حکومت و دشمنی اش با انقلاب و توده ها است . علاوه بر آن او در اولین سخنرانی های خود در دفاع از جناح عین از سرما به داران جنس گفت :

دولت آینده با ایداز سرما به داران بزرگ نخواهد کرد در اعمال خود تجدید نظر کنند " (اطلاعات چهارم -

نیمه ۲۲ مرداد)

بنی صدر شش حزب جمهوری اسلامی غیر از دوفوه مقتضیه و قضا شده و قوه مجریه هم قدرت یافته است ، از سوی دیگر انگیزه های کهنی صدر را به معرفی راجائی بعنوان نخست وزیر به مجلس کشا نه صرف نظرا ز فشار حزب جمهوری اسلامی ، مسئله موقعیت راجائی و امکان " سر عقل " شدن او بود و در واقع بنی صدر امید خود را نیز به همین مسئله بسته است . راجائی در هنگام سخنرانی خود در مجلس بنی صدر را برادر خود نامید و از امکان ایجاد " تفاهم " با بنی صدر سخن میمان آورد . بهشتی سرمد را حزب جمهوری اسلامی نیز پس از انتخاب راجائی ، از آینده کار او اظهار امیدواری نمود (جمهوری اسلامی ، ۲۳ مرداد) و جالب است که در همان شماره روزنامه سرما له ای چاپ شده بود (دست در دست هم هستیم - مهر ") که از ایجاد تفاهم بین بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی سخن گفته بود ، و هشدار داده بود که اختلاف در " یا لا بنفع " مدافع انقلاب " است .

اما همانطور که قبلا گفتیم این " وحدت طلبی " ها و " سازش " گونه همدت و گذرا است و دو جناح نیز خود به این واقعیت آگاه می دارند . بنی صدر راجائی را در هنگام معرفی به مجلس بعنوان فردی که مجلس به وی اظهار تمایل کرده است معرفی نموده است و به عنوان شخصی که خود معرفی نموده باشد . بنی صدر ترتیب این بیان (که مجلس نیز با اصرار پذیرفت) بطور تلویحی بیانگر این امر است که بنی صدر مسئولیت دولت و نخست وزیری را بعهده نگرفته است و میتواند از خود در مقابل اعمال راجائی سلب مسئولیت نماید . آیا دولت راجائی خواهد توانست دوام بیاورد و " سازش " به سرا بجا می آید ؟ زنگها چنان جیغی غیر محتمل بنظر میرسد ، اولاً سازش دو جناح همانطور که گفتیم بسیار شکننده است و در آینده مجدداً بروز خواهد نمود . ثانیاً ، راجائی فردی است بی کفایت که قادر نیست لا فل کار دانی مهره ای چون بازرگان و یا بهشتی . . . را داشته باشد ، ثالثاً او همه مهمترین - اندازر دنیا برده طوقاشی است . همانطور که در گذشته دیده ایم و حکمرانی ما را زات توده ها چه تا شیرشگری بر روی نهاد های درونی هیئت حاکمه میگذارد . بارها در دولت موقت شاهد آن بوده ایم که مهره های حکومتی چگونه در حال تغییر و تحول بوده اند . این امر بدون شک در دولت آینده نیز تکرار خواهد شد و شکنندگی کابینه را بسیار تشدید خواهد نمود .

بقیه از صفحه ۱

پیکارگران

بیاد آوریم روزهای را که سبکفروش خیابانها و کوچه های تهران و شهرستانها از خون پاک انقلابیون جان برکفی کهنه دست ما موران جلاد ساواک ترور شده بودند گلگون می گشت !

بیاد آوریم رفقای فدائی و برادران مجاهدیکه پس از سالها اسارت از گوشه های جالهای رژیم به تنه های اوس برده شده و در آنجا ترور شدند !

بیاد آوریم رفقا حسن آلا دیوش ، محبوبه متحذین ، لیلیا ز مردبان . . . که در خیابانهای تهران بدست جلادان ساواک ترور شدند .

بیاد آوریم دهها فدائی و مجاهد خلق را که با همین شیوه بدست دژخیمان شاه خاش خون پاکشان بر زمین ریختند !

و امروز در رژیم جمهوری اسلامی :

بیاد آوریم رفیق ناصر توفیقیان را که با جوان - مردانه در نظرات سیکاران افغان از پشت سر هفت کلکوله مزدوران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت . و بیاد آوریم رفقا نوماج ، مخنوم ، واحدی ، جراح نسسی فرزندان دلاور خلق ترکمن را که از زندان اوس به حاج محسن رفیق دوست ، رئیس کمیته سلطنت آباد تحویل داده شدند و جانشان بین راه گرگان - مشهد بدست آمد !

بیاد آوریم ترور نا فرجام دکتر حسن بر فرزند مبارز خلق بلوچ را که از توطئه ای بدست یسارداران طرح ریزی شده بود ، جان سالم بدر برد و آنرا افشا نمود .

و بیاد آوریم دهها کمونیست و انقلابی را که در این رژیم بویا همین شیوه به شهادت رسیدند .

و امروز تا دیرترین نمونه . . .

آری رفقای پیکارگرما که قلبشان به عشق رها بی زمختشان می طپید " ترجم " پخش اعلامیه توسط عوامل رژیم جمهوری اسلامی دستگیر و پس از چند هفته اسارت به بیابانهای اطراف تبریز برده شده و بطرز بسیار وحشیانه ای ترور میشوند .

هموطنان مبارز !

این عمل فاشیستی زمانی صورت میگردد که فشار ارتجاع بر نیروهای انقلابی ، از جمله ما زمان مسادر سراسر ایران شدت گرفته است .

رفقای ما را در شمال ، تبریز و بویژه جنوب دستگیر و به بدترین وجهی مورد شکنجه و آزار قرار میدهند .

بقیه در صفحه ۳

رفقا !

- با تلاش هر چه بیشتر پیکار
- را بخش کنید .
- با هر امکانی که دارید تمام
- یارخی مقالات و مطالب
- پیکار را تکثیر و پخش
- نمایید .



رجائی ، عامل حزب جمهوری اسلامی برادر لیبرالهاست

جنبش کارگری



"قانون شوراهاى اسلامى"

"قانون، یورش به شوراهای واقعی"

پیش از ۱۷ ماه از قیام خونین خلقهای قهرمان ایران میگذرد، ۱۷ ماهی که سرشار از مبارزات حق طلبانه کارگران، زحمتکشان و خلقهای غلبه میربا لیس و ارتجاع داخلی است. رژیم جمهوری اسلامی که حافظ منافع سرمایه داری وابسته است و استقرار و تثبیت خود را در سرکوب مبارزات خلقها و در راستای طبقه کارگر می بیند، در این مدت بوضوح چهره ضد خلقی و کریه خود را به نمایش گذاشته است. به بند کشیدن کارگران مبارز و زوال انقلابی، اعدای و حشایان انقلابیون کمونیست، کشتار بیشتر مانع خلقها و... شیوه هائی است که رژیم برای نابود سازی دستانوردهای قیام زان سود برده است.

شوراها، سندیکاها و... از جمله دستاوردهای اصلی قیام بودند که مینمایند به سدی عظیم در برابر اهداف ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی قرار داشته و ازاده شده و با اعمال میگردند. رژیم که از زمان ابتدایین موضوع را بخوبی درک کرده بود، در پی آن بود که در اولیین فرصت تیشه خون آلود خود را بر ریشه این دستانوردهای قیام زان فرو برد. کارنامه سنگین جمهوری اسلامی در یکسال و نیم گذشته بسیار نگران کننده و نگران کننده است. علیکه کارگران، زحمتکشان و خلقهای که امروز با شدت بیشتری گسترش یافته است. رژیم تا آنجا که می تواند از سلاح قانون که همان قانون سرمایه است استفاده میکند، قانونی که مانند قتل و زنجیر برای کارگران و

زحمتکشان است و آنجا که این سلاح بر زندگی کافیه ندارد، از توپ و تانک و مسلسل آمریکائی استفاده می نماید. وسوسه های ستیز زحمتکشان را هدف گلوله قرار میدهد، به این امید بوی که تا بدین اندازه در برابر حرکت توفنده توده های انقلابی به رهبری طبقه کارگر سدی بوجود نیاید.

لا محاله قانونی شوراهاى اسلامى کارکنان موسسات و کارخانجات، توطئه مذبذبه دیگری است علیه کارگران و زحمتکشان میهن ما. رژیم میکوشد تا شوراهاى واقعی را که خودخواهان است بر کارگران تحمیل کند، تا شاید از "شر" مزاحمتی شوراهاى واقعی که دست سرمایه داران و دولت حافظ آنها را در پوست گردو میگذارد راحته شوند. رژیم خود را در چنان شوراى است که اوامر سرمایه داران و دولت حامی آنها را مویه مویودن کم و کاست اجرا نماید و کارگران را تبدیل به برده های مطیع و فرمانبردار نماید تا برای بهره کشی و استثمار هر چه بیشتر آماده شوند. اما طرح کردن چنین اهداف خیانتکارانه ای با همین مراحت و روشنی بخصوص با توجه به سطح آگاهی کارگران عملی است که فقط از یک دیوانه برمی آید و شرط عقل نیست، باید این تحفه را در باره زرباقت بیچیدنا ببینند در سنگاه ول نمیشتر شود. ما

بقیه در صفحه ۱۵

مبارزه کارگران موقت شرکت نفتی ریپینکو

در هفته اول مرداد ماه کارگران موقت شرکت ریپینکو (۱) که بیش از ۲۰ نفر هستند و مورد تبعیضات شدیدی نسبت به سایر کارگران قرار دارند، پس از بحث و گفتگو با یکدیگر خواستهای خود را تنظیم کرده و برای هیئت مدیره شرکت میفرستند. کارگران در این نامه متذکر میشوند که اگر تا ۱۵ روز دیگر اقدامی صورت نگیرد آنها را برآورده نکند، دست به اقدام اعتراضی شدید تری خواهند زد. برخی از خواستهای آنها عبارتست از:

- ۱ - در برابر هر ۴ روز کار، یک هفته مرخصی، (بعلت شرایط سخت و طاقت فرسای محیط کار)
- ۲ - جیره خواروبار (در این شرکت جیره خواروبار تنها به کارگران رسمی تعلق میگیرد)
- ۳ - غذا و مسکن
- ۴ - عائله مندی (حق اولاد)، (در حال حاضر حق اولاد تنها به کارگران رسمی تعلق میگیرد)
- ۵ -

(۱) - شرکت نفتی ریپینکو در جزیره لاوان قرار دارد و در جهت استخراج نفت از جاهای دریائی نفتی فعالیت میکند.

اخراج کارگران مبارز کارخانه کاشی اصفهان

چندی پیش انجمن اسلامی کارخانه کاشی اصفهان که بنا بر یکی تشکیل شده است می نزدیک به ۳۳ نفر از کارگران مبارزان کارخانه را در اختیار دادگاه با صلاح انقلاب نجف آباد قرار میدهد تا شامل "پاکسازی" شوند. دادگاه نیز بدین ترتیب این کارگران را احضار کرده تا بهحا که بکشد!

جالب توجه اینکه عناصرتشکیل دهنده انجمن اسلامی این کارخانه همان کسانی هستند که چند ماه پیش کارگران بعلت عملکردهای ضد کارگری آنها در اعتصاب چند ساعته خودخواسته را تصفیه آنان بودند که ضمن آن فرماندار نجف آباد دو سیه با داران به کارگران قول میدهد که عناصرتشکیل را اخراج کنند. اما ۲ روز بعد تحت حمایت سیه با داران به کارخانه بازگردانده میشوند و هم اکنون با تشکیل انجمن اسلامی علیه کارگران مبارز توطئه میکنند و در این زمینه از حمایت کامل سیه با داران و دادگاه - های انقلاب برخوردارند!

بقیه در صفحه ۲

پیکارگران...

رفقای قهرمان ما! محدود و مهدی علوی نوشنری در جنوب به دلایل بسیار واهی (برتاب سنگ) به جوخه های اعدا میسرده میشوند، ...

این اعمال فاشیستی رژیم ضد خلقی حاکم گذشته از آنکه دشمنی عمیق او را با انقلابیون و سربازان کمونیستها نشان میدهد، ضعف و استیصال وی را در مقابل سیه با و حکمرانی روزافزون جنبش توده ها بنمایش میگذارد. ما جزئیات این جنایت هولناک و چهره مسک - آلود جناحین کاران شناخته شده را در آینده با اطلاع خلقهای قهرمان ایران خواهیم رساند.

پس از چندین نوبت دست کارگران که تا زهم غروسی کرده بود مثل کوشی که در جرح کوشاند خدمت سیه با همراه سیه با حلاجی شده و سیرونی می آید. همکاران این کارگران به کمک او می شناسند. (البته به علت سرو صدای زیاد ما شینما تا مدتی ملنگت این موضوع نمیشود) پس از اینکه او را از ایستگاه سیرونی می آورند به اداره سیه با که در جوار کارخانه است میبرند. دکتر پس از دیدن جوان کارگر به پوش به همراهان او میگوید: "سرویدشتن را بسا ورسد!". که یکی از همراهان کارگر را با راحتی فراوان میگوید: "کدام دست؟ دستی که مثل گوشت جرح کرده جرح شده است؟"

از محل حادثه ما در خروجی سالن که حدود ۳۰ تا ۴۰

بقیه در صفحه ۴

در کارخانه چیت ممتاز کارگر دیگری قربانی سپیستم سرمایه داری شد!

گزارش زیر را که ما با نگرشهای از سپیستم و استثمار و حشایان است که در شرایط حاکمیت سرمایه داری وابسته بر کارگران و زحمتکشان ایران روا میشود، یکی از کارگران مبارز کارخانه چیت ممتاز برای پیکار فرستاده که ما قشمتی از آنرا عینا در اینجا درج میکنیم.

"در تاریخ ۵۹/۵/۹ متصدی قسمت حلاجی کارگر جوانی را که تا زده است و زنده بود در ایستگاه حلاجی گذاشت تا به جای یک کارگر ما هر که ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه و تجربه دارد کار کند. کارگر جوان وقتی که ما شنیدیم که ما اینکار را از وضعیت ما شنیدیم حلاجی خبردار سعی میکند که آنرا را ببیند. اما ما دست لای نور دگر میبندیم. روی نور دگر مثل این است که میخ چسبانده ای،

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳

در کارخانه ...

متر میشد مثل اینکه با سطل آب بریزی، خون ریخته بود، پس از این حادثه کارگران دست‌دسته و با قیافه‌های بهت زده به دیدن منظره می‌آمدند و دنیا را از سوال راجه‌لوی چشم می‌دیدند. برآسانی تا کی کارگران با بددجا رچنین حادثه‌ها می‌شوند؟ کارگری فرساده میزد:

"من ۱۵ سال سابقه کار دارم، هرکاری کرده‌ام، سراپا ماشین کار نکردم، چون خیلی خطر دارد."

کارگرد دیگری ادامه می‌داد:

"با سابقه‌ها که تجربه هم دارند بیشترند روی این ماشین کار کنند، این جور ماشینها مثل یک هار می‌مانند، خیلی سریع یک جای بدن را میگیرند و مثل کوبه بقیه بدن را می‌بلعند، چند سال پیش کارگری موهای سرش گیر می‌کند و می‌رود لای سوراخ پس از آن خوراک ماشین شده، جرح کرده تا آن طرف بیرون می‌آید، تا حالا این ماشینها چندین بار را جمع‌نیار آورده‌اند، آخر کد ما مردمان... این کارگران تا زود را در آوی این دستگاه گذاشته‌اند و این سارا برین بدبخت آورده‌است؟"

کارگران همه غم‌زده بودند، همه در فکر فرورفتن بودند و می‌گفتند: ... بخاطر اینکه دولت و سرمایه‌داران سود بیشتری بدست آورند از وسیله‌ای امنیتی مخصوص این ماشین استفاده نمی‌کنند... ("سرمایه‌دار شکم‌کننده و سائل امنیتی دستگاه را بازمی‌کنند تا ماشین تولید بیشتری کند و درآمد کارش بیشتر شود، تا سود بیشتری به جیب بزند)... بخاطر اینکه ماشین خلجی ۲ ساعت نتواند تولید عقب نیفتد یک کارگر جوان را روی آن گذاشته اند که با قطع دست وی تا آرنجش شد! ... آخر ما تا کی با بددجا هدیچ چنین صحنه‌ها می‌کشند؟ ای با شیم؟" کارگران زیادی جمع شده بودند در ایستگاه میان ناگهان یکی از سرباستها گفت: "با بدبخت سرکار تا نگه می‌شود...؟" گویا اعتراض کارگران رو بیرون، یکی از کارگران گفت "نگه می‌شود؟ دیگه می‌خواستی چی بشود؟ دست یک کارگر جوان قطع شده و وقت تو می‌گیری چی شده؟ این برای تو اهمیت ندارد؟ همین شما متمدن‌ها و سرباستها مقررید که کارگران را سردست‌ها می‌کنند؟ دید که او نیستند سرباست وقتی که دید کارگران در جلوی او ایستاده اند مثل موش توی سوراخی خیزد و گفت: "ملا به من چه..."

برآسانی ما تا کی با بددجا چنین صحنه‌های وحشتناکی با شیم؟ تا زمانی که ما سرمایه‌داری است و سرمایه‌دار وجود دارد و حکومت در دست آنان است ما باید شاهد اینگونه حوادث با شیم، سرمایه‌دار برای اینکه سود بیشتری ببرد و سائل امنیتی را روی دستگاه نمی‌گذارد تا تولید بیشتری داشته باشد و کارگران را به اضافه کاری وامیدارد، فقط در حکومت کارگری است که کارگران دیگر در چنین حوادثی نمی‌شوند زیرا در حکومت کارگران فشار به کارگر نمی‌آید، کارگر برای تامین مخارج زندگی خود مجبور نیست ۴ تا ساعت اضافه کار بکند که در آخرشگی کارود، چارسانحه شود، پس بگویند و ما هم تجد شویم تا حکومت خودمان یعنی حکومت کارگران را برقرار کنیم"

مبارزه برای بازگرداندن کارگران مبارز اخراجی آمل همچنان ادامه دارد

مواجه می‌شود، می‌گوید: "من، هیچ کاره‌ام و از همین حالا می‌گویم و اعلام می‌کنم که تا آن کسان که بدستور و با... من اخراج شده‌ام و تا آنکه به سرکار خود باز نگردند و احلال این کارها به اداره کار مربوط است." در این هنگام یکی از نمایندگان می‌گوید: "اگر شما هیچگاه ره‌بده‌اید، پس بطور اعیان انجمنهای اسلامی معلمین و کارگران با تا شد شما و کوبیدن مهر اخراج و تائیدیه انجمن، حکم اخراج معلمان و کارگران را صادر نمودند؟! " دادستان پاسخ می‌دهد: "حالا دیگه به من مربوط نیست، من می‌گویم در دیو روز نامه‌ها اعلام کنند" دیگران کارها ربطی به من ندارد."

در فاصله یک‌هفته کارگران در محوطه "دادگاه انقلاب" به بحث و افشاکری درباره عملکردهای ضد انقلابی "دادگاه انقلاب" و با سارا برین مشغول بودند، فرماندار شهر که قصد رفتن به محل دادگاه را داشت سر می‌رسد، کارگران دور او گرفته و یکی از آنها می‌پرسد: "آنها به چه حقی کارگران را اخراج میکنند؟ فرماندار می‌گوید: طبق ماده ۳۳ قانون کار! یکی دیگر از کارگران می‌گوید: "اینهمه شهید و زخمی داریم، هنوز می‌گویند طبق ماده ۳۳ قانون کار؟! فرماندار رجواب می‌دهد: هنوز قانون کار جدیدی نیامده، بنا براین این ماده همچنان بقوت خود باقیست! او که پیش از این در برابر اعتراض کارگران تا بنمایا وارد داخل می‌زد در این هنگام نمایندگان کارگران به میان آنها می‌آیند و پس از افشای اعمال ضد انقلابی دادستان متحسین با مدور قطنی‌ها می‌خواست را زکشت فوری بدون قید و شرط، کارگران مبارز اخراجی به سرکار - های پنا می‌شوند، آنگاه کارگران موقتاً به محض خود پایان می‌دهند و برای مشخص شدن نتیجه ۵ روز مهلت تعیین میکنند و اعلام میدارند که گریس از انفعالی این مدینه خواست آنها رسیدگی نشود یا دیگر دست به تحمیل خواهند زد."

مبارزه کارگران اخراجی چیت ممتاز همچنان ادامه دارد

عنا مرکوندانگر کرده و بدینال سپاهی‌ها و زمینه‌سازی‌های بسیار ۱۲ تن از کارگران مبارز را در دولت در روزهای ۶ و ۷ مرداد ماه از کارخانه اخراج میکنند. عکس العمل کارگران درقبال این اخراج متفاوت بود تعداد کمی حرف‌شورا را با و می‌کردند ولی بقیه نمی‌توانستند رابطه‌ای بین کودکان کار و کارگران مبارزی که خود از نزدیک آنها را میشناختند تصور کنند در همین رابطه یکی از کارگران ضمن خواندن اعلامیه بوزخندی زده و گفت: "لابد کارگران قرار بوده سوار ما سوره‌ها بشوند و بیرون‌دها و از آن بالا کلاف بریزند!" کارگران اخراجی برای بازگشت به کار به یک سلسله فعالیت دست می‌زنند که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- شکایت به وزارت کار - کارگران مبارز اخراجی به وزارت کار شکایت میکنند اما به نتیجه‌ای نمی‌رسند. در این رابطه وقتی نماینده وزارت کار با مراجعه بکارخانه‌ها از کارفرما و اعطای شورا می‌خواهد که دلیل اخراج کارگران را روشن کنند

بقیه در صفحه ۱۱

چندی است که رژیم جمهوری اسلامی یورش همه‌جانبه و سازمان یافته‌ای را علیه نیروهای انقلابی، کارگران و کارکنان مبارز در کارخانه‌ها، ادارات و موسسات، تحت پوشش عوامی و غیره و ضد انقلابی، تصفیه و پاک‌سازی "آغا زنده‌است، بدینال همین سیاست ضد انقلابی، ده‌ها تن از کارگران مبارز کارخانه‌ها از جمله کارخانجات جین مد، بلوجین، آجرما شینسی، ممتاز و... آمل اخراج شده‌اند این سیاست که ماهیت واقعی آن چیزی جز حمله به دستاوردهای انقلابی کارگران و زحمتکشان مانند شوراهای سندیکاهای واقعی و اخراج عناصر آگاه و مومنا و زینست موج وسیع و گسترده اعتراض کارگران مبارز را به همراه داشته‌است. این کارگران به اشکال گوناگون مانند باج‌دمند و کک و تهاون (کارگران کوره‌پزها) و با جمع‌در آدره، کار و "دادگاه انقلاب" (مانند کارگران جین مد) و... حمایت و پشتیبانی خود را از کارگران اخراجی ابراز داشته‌اند.

روز چهارشنبه ۵۹/۵/۸ ساعت ۲ و ۱/۲ بعد از ظهر پیش از یکصد تن از کارگران کارخانجات آمل بحایت از کارگران مبارز اخراجی کارخانجات این شهر در محل "دادگاه انقلاب" دست به تحمیل می‌زنند پس از مدتی دادستان به اصطلاح انقلاب، تحت فشار کارگران اعلام می‌کند که کارخانجات با یکی از نمایندگان کارگران اخراجی مذاکره کند، اما سرانجام به علت پافشاری کارگران دادستان با چهار نفر نماینده کارگران اخراجی و یک نفر نماینده از طرف کارگران شاغلی که به حمایت از این کارگران در تحمیل شرکت کرده بودند به بحث و گفتگو می‌نشینند، وی ابتدا سعی می‌کند با تهدید و "اخلالگر" و "ضد انقلاب" نامیدن کارگران اخراجی موضوع را تمام شده قلمداد نماید، اما وقتی با پافشاری و افشاکری نمایندگان کارگران

چندی قبل شورای فداکاری کارخانه چیت ممتاز یکی از کارگران مبارز را به "جرم" کمونیست بودن از کارخانه اخراج می‌کند، این کارگرموقف می‌شود در کمیته تمام آنها مات واهی می‌شود و دست‌داده بودند در کارخانه زانجا برگه بازگشت به کار بگیرد، اما همچنان با بازگشت او مخالفت می‌نماید. کارگر مذکور ناگزیر به وزارت کار شکایت می‌کند. وزارت کار می‌گوید ما فقط می‌توانیم طلبکار شما را بگیریم و طبق ماده ۳۳ کارفرما هر موقع که دلش خواست می‌تواند کارگری را اخراج کند. در این هنگام بیش از ۲۰ نفر از کارگران مبارز این کارخانه به منظور سرری راه‌های بازگرداندن کارگران اخراجی تشکیل جلسه می‌دهند به علت سیدقتی کارگران مبارز کارگر خیرچینی در این جلسه نفوذ می‌کنند و پس از پایان کار، گزارش جلسه و مشخصات کامل کارگروانی که در آن شرکت کرده بودند را در اختیار شورا قرار می‌دهد، شورای فداکاری کارگران مبارز بدینال بهانه‌ای برای اخراج کارگران مبارز می‌گشت از فرصت استفاده کرده و بلافاصله با دستور اعلامیه‌ای کارگران مبارز را متهم به "همکاری با

باتمام قوا در مقابل توطئه اخراج کارگران متحدانه مقاومت کنیم!

خلق ها و مسئله ملی



خلق کرد! رزم تو پیروز باد!

علیرغم باهوی رژیم مبنی بر سرقراری حاکمیت جمهوری اسلامی در کردستان، خلق کرد پیرومندانه و با استواری بیش از پیش به یکپارچگی و اتحاد خود ادامه میدهد و هر روز با هدیه‌های بیشتری به یمنی‌ها و یمنی‌ها در شهرهای مختلف کردستان هتیم، دوخیس، زهرمون نمونه‌های فراوان دیگر روغیای نا حدار رژیم را در سرکوب جنش مقاومت خلق کردستان میدهد:

اشنویه ۵۹/۵/۱۸

حمله‌ای شجاعانه به نیروهای ضد خلق

یک ستون ارتشی به همراه عده‌ای با سلاح ناک

و در ممیت ۲ هلیکوپتر و سناهای "سکر" و "فرا سکران" را مورد شورش فداخلفی خود قرار دادند.

این ستون با مقاومت جاننا نه به یمنی‌ها و یمنی‌ها در ممیت ۲ هلیکوپتر و سناهای "سکر" و "فرا سکران" را مورد شورش فداخلفی خود قرار دادند. این ستون با مقاومت جاننا نه به یمنی‌ها و یمنی‌ها در ممیت ۲ هلیکوپتر و سناهای "سکر" و "فرا سکران" را مورد شورش فداخلفی خود قرار دادند.

کلوله فرا گرفت و دو نفر از یمنی‌ها را زخمی کرد. همچنین در این روزها یمنی‌ها را زخمی کرد و دو نفر از یمنی‌ها را زخمی کرد.

سردشت ۵۹/۵/۲۳

هلیکوپترها در کمین پیشمرگان قهرمان

امروز سه هلیکوپتر ارتشی در منطقه "کلنه" اقدام به پیاپی ده کردن نیرو نمودند. بعد از پیاپی ده کردن، یمنی‌ها و یمنی‌ها در ممیت ۲ هلیکوپتر و سناهای "سکر" و "فرا سکران" را مورد شورش فداخلفی خود قرار دادند.



رزم آوران در پادال، آتش تداوم انقلاب را در کردستان قهرمان همچنان زنده نگه داشته اند.

بقیه از صفحه ۱۳

نگاهی...

و تحولات هنری در این دوران از دیگر حواصت یک بررسی علمی است. از جانب دیگر با بدو حداثت هنر آن نوع آگاهی بشری است که خود منقسم، واقعیت را منعکس ساخته و چون علم با کمیت‌های عینی و فانونمندیهای مادی سروکار ندارد بلکه با واسطه تخیل و تکیه بر احساسات با واقعیات عینی مربوط میشود. و این همان نکته‌ای است که خلاصیت هنری را از پیچیدگی خاصی برخوردار میکند. این ترتیب برای گریز از ساده‌انگاری، در درک ماهیت طبقاتی هنر با بدین ازمه به عنصر ایدئولوژیک آن تکیه کرد و از این طریق پیوند آنرا با طبقات درون جامعه نشان داد، گرچه ادبیات مشروطه ادبیات آن دوران انقلابی است که با پایان با فتن روستا آرام زندگی، مبارزه طبقاتی را در وجهی آشکار و با صراحت و روشنی بیشتر، در معنویت بیرونی و مرز بندی‌های طبقاتی در آشکارا ترس جلوه نمود در همه شئون زندگی اجتماعی تحقق می‌یابد. در کنار چنین حقایقی بنا به همان ویژگیهای متمایز آفرینش هنری، سرخوردن با شی‌تاسا نه به هنر مشروطه تعیین کیفیت هنر این دوران و ساد و رده‌های آن در این رشته ارتباط پیچیده به سبکهای مختلف با تحولات جاری و جنبه‌های بیرونی و اجتماعی و... همه و همه را ضرورت تمام سرخورد، راست و در واقع آن سوی سکه بررسی ما رگسستی را در حیطه هنر تنگ‌گسل می‌دهد که البته در نظر گرفتن تمام این جنبه‌ها، نیاز به خلاصیت، مهارت و ساحت هنری وسیع و کار فعا لانه دارد که با ساد می‌دانش در آئینه صورت پذیرد. ما در اینجا تنها سرخوردی فشرده و گذرا از هنر اسی دوران ارائه می‌دهیم.

ادامه دارد

۲۸ مرداد ۱۳۵۸، روز فتوای آیت الله خمینی برای یورش به کردستان

– های دهقانی در روستاهای کردستان، و بالا بسود پنا نسیل انقلابی و سطح آگاهی و مهمتر از همه وحدت مبارزاتی خلق کرد بود. به همین خاطر، یکما بعد از قیام یمنی، توطئه‌های جنگ افروزان در شش خلقی با همیستی مرتجعین محلی از جمله مفتی زاده و ملا حسینی و... شکل گرفت و عاقبت به مبارزان و حبشانه سنجند که طی آن مدها نی از خمینگان کرده‌ها بدت رسیدند، انجا مید. بدنبال کشتار مردم بی دفاع سنجند، نغده و...، هیئت حاکمه با موجی از خیزش مسلحانه و انقلابی نوده – های زحمتکش کرد در سر کردستان مواجه گشت. خیزشی که بر سر تر همیستکی خلقها و توده‌های آگاه و مبارز سر بران از یکسو، و حمایت و شرکت فعال کمونیستها و نیروهای مترقی از سوی دیگر هر روز بیش از پیش موجب کسب موفقیت بیشتری برای خلق کرد میگشت.

دولت موقت منتخب آیت الله خمینی، در هر گام خود با طوفان خشم انقلابی خلق کرد رو برو گشته بود. ارسال نامه بندها، آیت الله طالقانی و... همه و همه نشان از آن می‌دادند که جمهوری اسلامی از سرقراری حاکمیت بلاوا، سطا ش در کردستان متما جل شده است. از طرفی حمایت همه جا به نیروهای انقلابی و پیروژه کمونیستها در راستای افشای سیاستهای هیئت حاکمه از کشتار و سرکوب خلق قهرمان کرد و سنا با نندن ما هیئت جنگ کردستان و توضیح خوا ستیهای عادلانه خلق کرد، موجب گشته بود که بخشی از توده‌ها اما ساعلت جنگ کردستان و کشتار خلق کرد توسط هیئت حاکمه را زیر سوال قرار دهد. نتایج حاصله، در این روند بقیه در صفحه ۶

خلق قهرمان کرد، بدنبال دهها سال مبارزه برای کسب خود مختاری و رهائی از قید ستم ملی- طبقاتی که طی سالها حاکمیت رژیم مابریا لیمنشا به سر آن تحصیل شده بود، کمتر از دو ما بعد از قیام، با ردیگر (منتشی) ابتدا بدست نا زه بقدرت رسیدگان و میوه – چنان انقلاب (زیر سماران و کشتار و حبشانه ارتش فدا خلقی فرا گرفت، نوروز خونین ۵۸ با همساران سنجند، سر از تنها جو حبشانه بورژوازی و خورده – بورژوازی حاکم برای خلق رزمیده بود، این یورش فدا خلقی که در چرخه رچوب دفاع از منافع طبقاتی کسل هیئت حاکمه و تحت پوشش "جنگ با کفار" و تجزیه طلبی انجام می گرفت، دو هدف عمده را دنبال می کرد:

۱ – کسب سرکردگی و حاکمیت برای بورژوازی حاکم در کردستان جهت تامین منافع طبقاتی هیئت حاکمه با حمایت از فتوای آنها و زمینداران بزرگ، واداسه استعمار زنده‌های زحمتکش خلق کرد تحت عنایتان "تابعیت استان کردستان از دولت مرکزی".

۲ – جلوگیری از رایت آتش مبارزات ملی- طبقاتی خلق کرده دیگر خلقها و شعله ور شدن جنبشهای ملی در سر ابران. و درست به همین خاطر، هیئت حاکمه جدید می خواست و سنا ما می توانست به خوا ستیهای برحق خلق کرد پیا پی گوید. مبارزات عادلانه خلق کرد در شهرهای کردستان و هما هنگی و یکسان بودن اهداف یمنی مبارزات نمی توانست بورژوازی تازه بقدرت رسیده را نگران سازد. این نگرانی در حقیقت پیا مدنیاش قدرت مسلح خلق تحت رهبری سازمانهای سیاسی – انقلابی خلق کرد و اعمال حاکمیت مسلحانه توده‌های زحمتکش شهری – روستایی در شوراها و شهری و اتحادیه‌های

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۵ ۲۸ مرداد ۵۹

نمیوانست در ریزش توهیم بخش اعظم توده های آکا و کده میوه چنان انقلاب فقط (و فقط) به اعتبار این توهیم توانسته اند تا کنون بر مسند قدرت باقی بمانند، بی تاثیر باشد.

رژیم می خواست کردستان را تحت سطره قدرت خود درآورد و برای اینکار لازم بود که از پیشبانی توده های متوهم نا آکا و وسیع شدن آنان با تحریک احیای مذهبیشان، برخوردار باشد. از طرفی، فعالیتها و افکارانه و آکا و کرا با نه نیروهای کمونیست و مترقی و توانا شدن، ماهیت خواسته های عادلانه خلق کردستان را توده های نا آکا، ماسع از پیشبرداستهای فوق الذکر هیئت حاکمه بود. پس هیئت حاکمه برای آغا و نهیای خود بر کردستان، می بایست فضایی مسموم و تحریک شده بر علیه خلق کرد و نیروهای انقلابی ایجاد کند. برای پیشبرد این سیاست لازم بود از ادبیهای دموکراتیک و امکان فعالیت - های آکا و کرا به زمانهای کمونیستی و نیروهای مترقی را مورد یورش قرار دهد. تشریفات انقلابی را توفیق کند و در تفریبات و نیروهای انقلابی را با خاک یکسان سازد. رژیم در اجرای این سیاستهای ضد مردمی، به وسیله و زمان دادن دسته های او باش و قداره بندی در تفریبات و نیروهای انقلابی را مورد حمله قرار داد، هزاران نسخه از تشریفات آکا و کرا به نیروهای انقلابی به آتش کشیده شدند و صدها نفر در کوه و کنار و کتور توسط مزدوران رژیم به بهانه کمونیست بودن مورد ضرب و جرح قرار گرفتند.

هجوم به آزادیهای دموکراتیک که پیش درآورد یورش به کردستان بود با فتوای آیت الله خمینی مبنی بر حمله به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ ملتشر گشت. شهرهای بوکان، سنقر، سنندج و مهاباد و چند شهر دیگر در محاصره اقتدای - نظامی شدید قرار گرفتند. سقوط شهر بوکان در حدفاصل بین کردستان و آذربایجان بدست نیروهای ضد خلق آغا زکشتا روحیانه تر از پیش خلق کرد توسط هیئت حاکمه بود. موج قتل عام در کردستان برای افتادها تن از زخمیکشان خلق کرد بوسیله بمبها و گلوله ها و خمپاره ها و دیگر مهمات آمریکایی ارتش آریا مهری بخون خویش در غلطیدند. دهها تن از انقلابیون کمونیست و فرزندان مبارز خلق کرد به جرم کمونیست بودن، توسط جلادان کله پوکی نظیر خلخالی به جوخه اعدام سپرده شدند. ایما داین نهیای جم بدی بود که حتی پیران و کودکان خردسال نیز از قتل عا مدرا مان نما شدند.

یورش رژیم به خلق کرد اگر چه در ابتدا، با تسمخسرخ ش شهرها با پیروزی ظاهری همراه بود اما مقاومت حماسه - آفرین توده های زخمیکشان کرد و نبردهای فیرمانانه پیشمرگان رزمنده خلق کرد بر این تفکر که رژیم به ما مره نظامی - اقتصادی و کشتار خلق کرد توانسته است آتش مبارزات دلیرانه و قهرمانانه آنها را تسامدنی خاموش کرده اند بطان کشید، چرا که خلق کرد با مبارزات خود به اشکال مختلف، از ضمن، اعدام و نظاهرات شکوهمند در شهرهای مختلف گرفته تا نبرد مسلحانه پیشمرگان قهرمان با نیروهای ضد خلق، از نظرسپاسی - استراتژیک و تاحدی نظامی آنجنان شکستی را به رژیم تحمیل کرد که سرمداران آن را قادر

انقلاب فرهنگی از خون دهها تن از دانشجویان انقلابی ریکین باخت و در حقیقت دست به همان تا کتیک زده در یورش ۲۸ مرداد ۵۸ از آن بهره گرفته بود. اکنون با ردیگر رژیم بحال خام خود بر کردستان مسلط گشته و حاکمیت جمهوری اسلامی اش را در کردستان برقرار کرده است اما واقعیت خلاف این پندار خام رژیم ارتجاعی را نشان می دهد خلق کرد میبارزه بی امان چو دبا نیروهای سرکوب رژیم دام می دهد روزی نیست که ما هجدا تبا ریها و قهرمانیهای توده های کرد و پیشمرگان رزمنده خلق کرد در شهرهای کردستان

■ مبارزات عادلانه خلق کرد در شهرهای کردستان و هماهنگی و یکسان بودن اهداف این مبارزات نمیتوانست بورژوازی تازه برت رسیده را نگران سازد. این نگرانی در حقیقت پیامد نمایش قدرت مسلح خلق تحت رهبری سا زمانهای سیاسی - انقلابی خلق کرد و اعمال حاکمیت مسلحانه توده های زخمیکشان شهری - روستائی در شهرهای شهری و اتحادیه های دهقانی در روستاهای کردستان، و بالا بودن پتانسیل انقلابی و مسلح آگاهی و مهمتر از همه وحدت مبارزاتی خلق کرد بود.

■ هجوم به آزادیهای دموکراتیک که پیش درآورد یورش به کردستان بود با فتوای آیت الله خمینی مبنی بر حمله به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ کاملاً ترگشت.

نیایشیم و همجنس روزی نیست که ما ضربات کساری فرزندان مسلح خلق را بر نیروهای ضد خلق شامید نیایشیم. رژیم با توطئه سکوت در مورد خلق کرد و سزرک نما شدن به اصطلاح فتوحات خود، می خواهد مبارزه ای را که همچون رودی خروشان در کردستان جریان دارد از پیش چشم توده ها و خلقها پوشیده نگذارد. بنا بر این وظیفه کمونیستها و ما نیروهای انقلابی و مترقی و سرعیده نما نموده های آکا و مومارزاست که اخبار مبارزات انقلابی خلق کرد را به طریق ممکن بکوش خلقها و توده های زخمیکشان سرانند و با حمایت فعال و همه جا به از خلق کرد، توطئه های رژیم را در سه ازوا کشیدن خلق کرد، خنثی سازند.

پیروزی دجنیت مقاومت خلق قهرمان کرد برقرار را دجود مختاری خلقها در جرح و جراح ایراسی مستقل و دموکراتیک



یادای که در عکس می بینید ناظر و نگهبان اجساد عوامل پالیزبان و حکومت ارتجاعی بعث عراق نیست. وی ناظر اجساد هموطنان زخمیکشان کردی است که در فتوای هجوم سال گذشته آیت الله خمینی بدست پاداران و ارتش ضد خلقی به شهادت رسیده اند.

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دموکراتیک

داستان، شیعه تزاری، و خداشناس شدن چه کوارا در تلویزیون!

از قدیم گفته اند "الغریب یشتت بکل حبشیش" یعنی غریب به هر کسی و خاکی چنگ میزند. این ضرب المثل شامل طبقات و ایدئولوژیهای و رشتکستهای که میکوشند به وسیله ای چنگ زنند تا بلکه علت وجودی خود را توجیه کنند و خود را موجه و قابل قبول نشان دهند نیز میشود. زمانی در دوره موفیه "شیعه تزاری" معمول بوده تبلیغات تجمی های حکومتی می نشستند و هزار آسمان و ریسمان را به هم می بافتند تا ثابت کنند که مثلاً فلان شاه معروف و محبوب مردم شیعه بوده است نه سنی! و فضای خنده داری می ساختند، به این ترتیب بود که سعدی و حافظ و فردوسی پس از آنها و قرنهای که از مرگشان میگذشت با "تعبیر و تفسیر" که از شعرهایشان میشد "شیعه علی" از اب درمی آمدند و فلان فیلسوف که سالها تکفیرش کرده و او را آواره بیابا بنها کرده بودند، بزرگترین خداشناس میشد و "مدرا المانلین" لقب میگرفت فلان دانشمند و طبیب تا گرد فلان امام از اب درمی آمد و قس علیهذا. بعد از شهریور ۲۰ شکستن دیکتاتور سوری رضا خانی و پیدایش بیروزگسترش جنبتهای اجتماعی در ایران، برخی گروههای مذهبی پیدا شدند و سعی کردند اعتقادات مذهبی را با رنگ و لعاب علم دانش جدید به دیگران عرضه کنند تا زمین نمایی با بنوی دیگران تکرار گشت، کسانی که پای منبرها نشسته اند تا دنان هست که برخی وعظ با آب و تاب تمام یکی دو اسم خارجی را حفظ کرده، بی تکرار میگویند که آنها مثلاً در باره اسلام... چنین و چنان گفته اند و با لحن خاص و تلفظ ویژه منبری بگوش "مستمعین" میخوانند که دکتر گوستاو لویسون فرانسوی با "دکتر فلا ریون" یا "ولتر" یا "جرج جردا ق مسیحی" راجع به اسلام با حضرت علی چنین و چنان گفته و "حقانیت" اسلام را از زبان آنها نتیجه میگیرند! (البته خالاهم همان بحثها و حرفهای قدیمی و کهنه را در "بحثهای ایدئولوژیک" روزنامه های رسمی اسلامی و ایدئولوژیون فراوان مبادا هم میکنند).

اگر سابقاً نوبت شعر، دانشمندان، مسیحیان یا یهودیان معروف بود که پس از مرگ شیعه ها مصلحان شوند! حالا نوبت انقلابیون و کمونیستهای است که مهر خود را بر مرحله ای از تاریخ مبارزات خلفها چنان کوفته اند که نمیتواند منکران شود دستگاسه تبلیغاتی جمهوری اسلامی میتواند برای جانداختن "اندیشه" خود از آنها سو استفاده کند. خود طرف هم البته مدتهاست "از دینا رفته" اونمی تواند اعتراض کند! اینجا ست که چه کوارا، انقلابی معروف آمریکای لاتین در مقدمه قبلمی که شب جمعه گذشته از تلویزیون پخش شد "موجد" خدا شناس از اب درمی آید. آخر از نظر گردانندگان جمهوری اسلامی مگر میشود کسی ماتریالیست باشد و چنان فداکاریهایش را نکند؟! پس حتماً به "خدا" معتقد بوده! چندی پیش آیت الله خالالی راجع به رفیق فدائی شهید مسعود احمدزاده هم اظهار تامل فرمودند که

تهاجم گسترده ارتجاع به نیروهای انقلابی و مردم مبارز رشت

دست زده و با دادن شعارهای نظیر "به تصمیم توده ها، زندانی سیاسی آزاد با بدگردد"، "شعار هرزجمنگش نان، ممکن، آزادی" و... کینه و نفرت خود را از سیاستهای ضد خلقی رژیم و اوباشان و پاسدارانش ابراز می دارند.

پنجشنبه ۵۹/۵/۱۶

ساعت ۸ بعد از ظهر اینروز، پاسداران ارتجاع به محل تجمع فروشندهگان نشریات انقلابی و مترقی در "زیر شهرداری" حمله کرده و یکی از جوانان انقلابی را که نشریه "زمنندگان" می فروخت دستگیری کردند. بدنبال آن حدود ۱۰۰۰ نفر از مردم را با هیما بی و نظرات به منظور راه ساختن انقلابی دستگیر شده تلاش می کنند تا با سلطت تیراندازی پاسداران موفق به آزاد ساختن اونمی گردند.

شنبه ۵۹/۵/۱۸

پس از چندین بار حمله به هواداران سازمان ما در "زیر شهرداری" ساعت ۱/۵ بعد از ظهر این روز پاسداران با بدگرمی به هواداران سازمان حمله کرده و ضمن پاره کردن نشریات و پلاکاردهای پارچه ای بکنفران دستگیری کردند.

یکشنبه ۵۹/۵/۱۹

در اینروز در محل سبزه میدان، زن حالمه ای به بهانه نشستن حجاب مورد حمله یک زن متعصب و ناآگاه قرار می گیرد. مردم معترض دیدن این وضع به حمایت از زن حالمه بر میخیزند. در این هنگام پاسداران سر رسیده و به تیراندازی هوایی می پردازند. مردم خشمگین به ماشین پاسداران حمله می کنند. پاسداران از شدت تنگروا ازجا و مردم بهراس افتاده و با بفرار میگردانند. مردم میاز رشت که از اینهمه بیداد و فشار ارتجاع شتنگ آمده بودند با برپایی راهپیمایی با شکوهی که در آن بیش از ۴۰۰۰ نفر شرکت کرده بودند دست به افتخاری میزنند. راهپیمایان ضمن دادن شعار - های از قبیل "مرگ بر پاسدار"، "در دما درد شامت مردم با ملحق شود"، "از خطی و گران مردم بستنگ آمدند"، "آگاهی توده ها، با بودی ارتجاع" - را بر خیابان امیرکبیر در صفوف فشرده ای می پیمایند. در انتهای خیابان و در حوالی میدان شهرداری یکی از نظا هر کنندگان سخنرانی می کند که با استقبال گرم مردم رو بر میخیزد. مدوران عوامل رژیم که از صفوح منح و یکبار رجه مردم میاز رشت ناراحت شده بودند رسوا به برای متفرق نمودن آنها در میان سربه برپا می کنند. پس از پراکنده شدن مردم، اوباشان و فداره بندان رژیم جمهوری اسلامی ضمن شعار دادن به محسوی افراد میاز رشتی پیران و در اس رابطه چند نفر از اهالی میاز رشت را دستگیر میکنند.

در ماه گذشته مردم مبارز و نیروهای انقلابی رشت با راهزیر حملات مدردمی پاسداران ارتجاع و اوباش رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفتند. حمله به نشریات مترقی، اکنون دیگر به صورت یک شیوه معمول درآمد و است و دستگیری فروشندهگان نشریات انقلابی روز بروز فزونی می یابد. گزارش که در زیر ملاحظه می کنید شرح جریان حملات مکرر پاسداران به مردم و بساط نیروهای انقلابی و مترقی در رشت می باشد.

دوشنبه ۵۹/۵/۱۳

در اینروز پاسداران سرما به بهانه که هواداران سازمان بیکار در محل پلیس رشت حمله می کنند و ضمن جمع کردن نشریات و اعلامیه های موجود، هنگامی که قصد دستگیری یکی از اهالی مبارز را در محل را داشتند با مقاومت مردم مواجه شده و مجبور به عقب نشینی می گردند. مردم به هنگام فرار پاسداران، با دادن شعارهای نظیر "مرگ بر پاسدار"، "از خطی و گران مردم بستنگ آمدند"، "این است آزادی ما سر دم قضاوت کنید" و... شروع به راهپیمایی و برپایی جلسات سخنرانی و افتخاری می کنند.

چهارشنبه ۵۹/۵/۱۵

در این روز پاسداران مجهز ترا پیش به بساط فروش نشریات سازمان ما حمله کرده و یکی از اهالی محل را دستگیری کنند. آنها در مقابل اعتراض مردم به این دستگیری، با مشت و لگدنجان مردم بدفاع می افتند. اینبار نیز پاسداران وقتی با مقاومت یکبار رجه مردم با رزشت مواجه می شوند با تانکامی محل را ترک می کنند.

بعد از ظهر همین روز عده ای از ما دران زندانیان هوادار ما هدین خلق که در مقابل محل سیا ما پاسداران دست به محسن زده بودند، مورد حمله اوباش و فداره بندان رژیم واقع می گردند. طی درگیری بین مردم و اوباش چند نفر توسط پاسداران دستگیری شوند. به همین خاطر مردم در حوالی محله "دماغان" به نظا هرات موضعی

اودر شب آخر که پای اعدا بوده مسلمان شده است! اما حیف که چه کوارا نتوانست به ایران با بدو در محضر آیت الله نوری رسا اسلام با ورد و چه با نام خود راهم مثل محمد علی کلی از ارستو چه کوارا به محمد چه کوارا تبدیل کند و بهشت برود!



تا قاتمین کار برای دهکداران، داشتن دهکها حق مسلم آنان است

پیروز باد جنبش جهانی طبقه کارگر

طبقه کارگران را بر اساس مبارزات و آموختن خود را بر مبنای "کارگران جهان متحد شوید!" سازماندهی کرده اند. او و کلیه همکاران معرکه بود، اما می که در مدتی کوتاه خود را به دست آورد.

در هفته گذشته جنبش کارگری در لهستان به اوج خود رسید. همکاران را به خواسته های کارگران اعتصابی در "ورنو" و "افراش" دستمزد، ساعات کار و کمترین تنگناهای شوراها را کارگری ذکر کرده اند (آیا همین خواسته ها به نظر اهرجیدینگر روبرویونیستها را - که دروغ سنگ نما بندگی طبقه کارگر را به سینه میزنند - به عنوان میگذرد؟) همچنین کارگران که از ربحهای اقتصادی و گرانای هزینه زندگی و سیاست های بورژوازی احزاب روبرو - یونیست حاکم به تنگ آمده اند در خواستار آشنایی با نمایندگان را با خود انتخاب کنند و "نمایندگان" فرمایشی و تحمیلی از جانب دولت را نبی پذیرند.

جمعه ۲۴ مرداد خبرها حاکی از شرکت ۵۰ هزار کارگر در اعتصابات ورنو (لهستان) بوده است. این اعتصابات که عمدتاً در بخش حمل و نقل صورت گرفته بود که با سر کارخانه ها و سرویسهای نقلیه در آن ناحیه لطافت زیاد وارد آورده است.

ما میگوئیم اطلاعات بیشتر و محتری از آنچه در اخبار خبرگزاریها آمده است به دست آورده و با تحلیل آنها، رفقای کارگر و دیگر همکاران را در جریان این مبارزات قرار دهیم.

۲- در نظریه "شوروی و اروپای شرقی" مبتنی بر اردوگاه سوسیالیسم

اعتصاب کارگران بختهای مختلف، صنعتی و تولیدی و خدماتی در لهستان متب محکم دیگری برده اند. خاتمین به ما رکنیم. لنینیسم و دشمنان دوست نمای طبقه کارگر و همچنین باخ دندان شکنی بسته آن دستجات و گروه های دنباله روبرویونیستها نت که با تبلیغ و ترویج در مورد "اردوگاه سوسیالیسم" گذاشتی خود، سرمایه استعمار رگانه احزاب و دولتها بی نظیر حزب و دولت روبرویونیست لهستان و... پیورده با ترمی افکند و د انقلاب را انقلابی قلندار میکنند روبرویونیستهای وطنی، نظیر حزب و رکنسته توده و کمیته مرکزی سازمان جریگهای فدائی خلق (اکثریت) از سویی و جریان متزلزلی نظیر "راه کارگر"، از سویی دیگر، از جمله کسانی هستند که به اصطلاح اردوگاه سوسیالیسم را بسینه می زنند!! اردوگاهی که علیه غم ا با طیل ارتجاعی دسته اول و یافته های روبرویونیستی دسته دوم، مبارزه طبقاتی شدت در آن جریان دارد. مبارزه ای که اعتصابات کارگری اخیر در لهستان از جلوه های بارز آن می باشد. راستی چگونه ممکن است در کشوری "سوسیالیستی" که به زعم روبرویونیستها دولت "کارگری" در آنجا حاکم است کارگران بخاطر کمبود دستمزدها، گرانای، تورم و بالا بودن سطح زندگی، و نیز شرایط طاقت فرسای کار، برای افزایش حقوق خود و بهبود بخشیدن شرایط کار، دست به اعتصاب میزنند؟! می توان گفت که این چنین کشور "سوسیالیستی" تنها برای خاتمین به ما رکنیم و نوکران بورژوازی همچون حزب خاش توده و همپا لکی هایش، در حکم بهشت برین است نه برای کارگران و زمینگان و کمونیستهای راستینی که برای ایجاد جامعه ای طبقه و خالی از استثمار، سرعده بورژوازی کشور خودی و امپریالیسم جهانی قهرمانان به پیکار میکنند.

در هفته گذشته ما و حکمرانی جنبش کارگری در کشورها بی سودیم که ما به است تحت حاکمیت روبرویونیستها قرار دارند. اهمیت جنبش کارگری در اینگونه کشورها بسیار زیاد است و اگر بدرستی رهبری شود مرحله تازه ای را در مبارزات با ربحها طبقه کارگر جهانی می تواند دست یابد. سوزواری را که در مرحله ای از تاریخ بدون احزاب کارگری و کمونیستی رخ داده و خواست جنبش طبقه کارگر را از زبون متفرج و زدن سریع می نماید. مبارزات طبقه کارگر در کشورها بی سختی و روبرویونیستها برای مبارک و امیدبخش است.

در هفته های پیش همزمان با مقاومت قهرمانانه و حماسه آمیز کارگران معدن در پولسوی و بلشاداری مسلحانه آن در برابر کودتاگران دست نشانده ایالات متحده، و همزمان با کنترش اعتصابات در کشور های سرمایه داری غرب و نیز کشورهای دست نشانده آن در مناطق دیگر دنیا اخباری نیز از اعتصابات کارگری در چندین شهر شوروی و سوسیالیسمی می رسید. اینها همگی یک دوره شکوفایی برای جنبش کارگری و کمونیستی در سطح جهان نوید میدهد. طبقه کارگر ایران که خود در حال مبارزه دائمی با سرمایه داران و غارت امپریالیسم بر میسر و قهرمانان به غلبه دشمنان خویش می شنود و به پیش میروند، از رشد جنبش کارگری در سطح جهان بی نهایت خوشحال است و امیدوار است (و در این راه ما را همراهی میکند) که وحدت

علل عمده این اعتصابات در استعمار ربحرمانانه طبقه حاکمه نهفته است. نتیجه طبیعی این حاکمیت طبقاتی نیز جز، تورم، قتل و کشتن، با لارفتن قیمت ها و سطح زندگی افزایش مالیاتها، با بین بودن دستمزدها و تراست طاقت فرسای کار نمی تواند باشد.

بدیهی است که به زعم روبرویونیستها، اعتصاب در کشور "سوسیالیستی" لهستان "امری غیر منطقی و سطر می رسد و احتمالاً آنرا کار ضد انقلاب جهانی و مائوئیست ها! می دانند. اما اعتصاب و مبارزه واقعی است که در کشورهای روبرویونیست و سرمایه داری اروپای شرقی، بخوبی رزی چشم می خورد و علیه ربحرمانانه های روبرویونیستها یعنی بر "بهشت سوسیالیسم" در شوروی، لهستان و... کارگران و زمینگان این کشورها تحت همان مناسبات استعمارگرانه ای، بر می سرند که در کشورهای سرمایه داری غربی وجود دارد.

بدینا علیه روبرویونیسم در حزب و دولت کشور های شوروی و اروپای شرقی احزاب روبرویونیست این کشورها بنا به ماهیت بورژوازی و ضد انقلابیشان، سرعت دستاوردهای انقلابی و پیرونی و دولتها را کارگری را که خونهای هزاران کارگر و زمینگان بود، زیر پا خرد و تا خود قرار داده و شروع به ایجاد زمینه های رشد و تحکیم مناسبات سرمایه داری نمودند. استقرار این مناسبات استعمارگرانه نمی توانست مبارزه طبقاتی پیروان را و دیگر زمینگان و رشد این مبارزه را بدینا نداشتند باشد. طبیعی است که استثمار کارگران و زمینگان تحت پوشش سوسیالیسم، در این جوامع نمی تواند بدون واکنش طبقه کارگر ادامه یابد. چرا که مبارزات افزایش شدت استعمار و شرابیط طاقت فرسای کار روزی که مبارزه طبقه کارگر تیزتر شد می یابد. بدینگونه که، اکنون با موج شوخی و اعتصابات کارگری در شهرهای مختلف لهستان روبرو هستیم.



اعتصاب کارگری در لهستان

● جلوه ای از مبارزه بر علیه استثمار در کشورهای روبرویونیستی

هفته های پیش موج سنگین اعتصابات کارگری، چندین شهر کشور روبرویونیستی لهستان را فرا گرفت. روز جمعه ۲۸ سپتامبر ابتدا کارگران حمل و نقل و کارمندان راه آهن در شهر "لویسل" در منطقه شرقی لهستان به طاعت کمبود دستمزدها و افزایش هزینه های زندگی اعتصاب کردند. دامنه اعتصاب علاوه بر چند کارخانه کوچک، به کارخانه های بزرگی در شهر "چلم" در مرکز شوروی و در "کرویکین" واقع در ۳۲ کیلومتری "لویسل" نیز کشیده شد. بدینا ل آن، علاوه بر اعتصاب کارگران یک کارخانه بلبرینگ سازی در شهر "گرا سینک"، کارگران برق، دانشندان و تویوس و نا مه - رسانان لویسل نیز دست از کار کشیدند. همزمان با اعتصابات فوق، کارگران کارخانه های هواپیما سازی در "میلچ" واقع در جنوب لهستان، اتومبیل سازی "اف.اس.او" و "درورنو"، تلویزیون سازی "زنوس" و دو کارخانه پارچه بافی در "زبارادو" نیز اعتصاب نمودند. انگیزه اصلی تمام این اعتصابات، با بین بودن دستمزدها و بالا بودن سطح هزینه زندگی و شرایط طاقت فرسای کار، بود. مطبوعات روبرویونیستی و سانورده لهستان، بعد از سکوت توطئه آمیز چند روز خود در مورد اعتصابات کارگری اخیر اعلام کردند که متوقف شدن کارها!! (بخوان اعتصابات کارگران - پیکار) بخاطر اعتراض به شرایط کار و افزایش قیمت گوشت (بخوان استعمار روحشان به دستمزد کمتر، شرایط کارگاه کار تورم، گرانای، افزایش هزینه زندگی در کشور روبرویونیستی - پیکار) می باشد.

در برخورد به اعتصابات کارگری اخیر در لهستان و دیگر کشورها که اهمیت است:

۱- ریشه ها و علل اعتصاب این ریشه ها و علل در کشوری که عنوان سوسیالیسم را یدک می کشد، رابطه ای تنگنا تک با حاکمیت مشی روبرویونیستی در حزب به اصطلاح کمونیست لهستان و دولت و استقرار حاکمیت بورژوازی و مناسبات سرمایه داری در این کشور دارند.

بدون شک در کشورهای نظیر لهستان این اولین اعتصاب کارگری نیست، چرا که چندان پیش نیست، موج اعتصابات کارگری، لهستان را فلج ساخته بود.

مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون یادهای شیخ محمد منتظری (۲)

قسمت اول از مصاحبه با رفیق تراب پیرامون دروغها و انبیا مانی که شیخ محمد منتظری در مجله پیام انقلاب (ارگان سپاهیان مورخه ۷ مرداد) علیه رفیق ما مطرح کرده در شماره گذشته بیکار خوانندید. اینک ادامه مصاحبه:

سوال: آقای منتظری گفته است: "تراب حق شناس که تا بربروز این طرف آن طرف می دود، بعد کم کم سرازمش و الکی درآورد، و درآورد و به گشت و گذار رفت و تمام بچه های که در این ارتباط بودند همرا به این وادی غلط انداخته!" شما چه می گوئید؟

جواب: من از او و امثالش که در صف مقابل نیروهای انقلابی، کارگران و زمینکنان قرار گرفته اند نوعی جزا بنگونه برداشته اند اما ما حقیقت قضیه را این طرف و آن طرف دیدیم من چگونه بوده است؟ همانطور که قبلا اشاره کردم من بعنوان یک وظیفه انقلابی و تشکیلاتی جهت تدارک آموزش نظامی مجاهدین و تماس با انقلابیون فلسطینی جز یک هیات سه نفری (با شهید رسولی مشکین فام و یک رفیق دیگر) در اول فروردین ۴۹ از طریق خلیج فارس و بطور قاچاق به خارج کشور رفتم. تلاش ها و تماس ماو همزمان منجر به استقرار هیئت های اعرامی مجاهدین در بایگاه های فلسطینی در اردن و سپس در سوریه و لبنان شد. کسب تجارب نظامی و انقلابی و آموزش مجاهدین یک جنبه از فعالیت ما طی سالهای گذشته بود. جنبه های دیگر از شهریور ۵۰ به بعد پس از آنکه دهها تن از اعضای سازمان به زندان افتادند شروع شد. ما همگی قرار بود به ایران برگردیم ولی آن غریبه که در آن ساله جشن های نوام ۲۵۰۰ ساله یوقوع بیوت موجب تذکر میرکیت سازمان به من، رفیق حسین روحانی و مجاهد شهید محمود شاهی و یکی دوفرد دیگر دستور ده که برای افشای رژیم شاه و فعالیت های سیاسی و تبلیغی و حفظ هسته های سازمان در خارج کشور، موقتاً در خارج بمانیم. ما (با همکاران استقامتانی که گفتم در درون یک سازمان خلقی غیرولترتی داشتیم) دقیقاً در این طبقه بنیادهای سازمان در داخل کشور و زرات خلق علیه رژیم شاه و اروپا با این امیرالیت او میگوئید. بیم تا از کلیه ویا ثل و امکانات موجود استفاده کنیم در همین رابطه بود که ما عناصرو نیروهای مترقی ایرانی، چه مذهبی و چه غیر مذهبی و براساس تحلیل، شناختی که از آنها داشتیم همکار میگردیم و با آنها در تهیه برنامه های افشاگرانه و آموزش انقلابی از طریق رادیو (بخش فارسی رادیو بغداد، رادیو صدای انقلابیون ایران، رادیو سروش و رادیو میهن برستان و صدای روحانیت مبارز) مشارکت فعالانه داشتیم. اعلامیه ها، کتابها و نشریات سازمان را چاپ و پخش میکردیم و مقادیری را هم با چاپ معمولی چاپ ریز شده سازی کرده بودیم داخل میفرستادیم. ما در سازماندهی بخش وسیعی از

داشجویان ایرانی مترقی خارج کشور نیز فعال بودیم و از طریق آنها هزاران نسخه از اعلامیه ها و نشریات ما و دیگر نشریه های انقلابی در سطح جهان چاپ و پخش می شد فعالیت های اعتراضی و افشاگرانه متعدد برپا میگشت. تماس با انقلابیون فلسطینی و عبادتی و سیاسی دیگر از سازمانهای راهی بخش یکی دیگر از وظایف سازمانی ما بود. ما در حد امکان به آنان کمک میدادیم و از امکانات آنها برای تحریک تدارکات، آموزش نظامی و امکانات تبلیغی استفاده میکردیم که منجمله از بخش فارسی رادیو جبهه خلق برای آزادی عمان باید

● رفیق تراب حق شناس:
"تاکید میکنم که قبول مارکسیسم از طرف من نه از سری اطلاعاتی از ایدئولوژی اسلامی بلکه دقیقاً با اطلاع از آن بود."

نام برد که در ۵ سال (از اردیبهشت ۵۳ تا بهمن ۵۷) ادا شده است. رفقای ما در جنگ اردن (سپتامبر سال ۵۷) جنگ لبنان (در جنوب و در کوه) جنگ در طرابلس و خدماتی نظیر هلال احمر فلسطینی و عبادتی دوش انقلابیون منطقه جنگیده اند و خواراتی فراموش نشدنی از افشاگری و رفاقت انقلابی را در خاطر انقلابیون فلسطینی، لبنانی و عبادتی برجای گذاشته اند. رفیق شهید ما رفعتا، پیراهن کتون در زیر نظار و من دمکراتیک در کارگاه های خلق عمان مدفون است.

خرید و ارسال سلاح و مواد لازم دیگر، تا میسر و انتقال کتابها و تجارت انقلابی به داخل کشور و نمایندگی سازمان در تماس های بین المللی و بالاخره تحویل گرفتن رفقای که بدلیل باید از ایران خارج می شدند و عناصرا انقلابی که به خارج کشور فرار میکردند و خواستار تماس با سازمان بودند و نیز فعالیت های دیگر از جمله وظایف ما بود.

طبیعی است این فعالیتها گرفتار ریسها و مسائلی مختلفی داشت که ما بدلیل می شد. با واک مارا حتی در خارج کشور تعقیب میکرد. رژیمهای ضد انقلابی که سران منطقه را تحت کنترل داشتند و رژیم شاه را روابط حسنه بودند برای مادرهای فراوان بسیار می آوردند. رفقای ما بارها در لبنان، سوریه، عراق، ترکیه یا دستگیر شدند یا از چنگ پلیس فرار نمودند. ما چندین نفر از رفقای خود را در همین راه از دست دادیم با خارج از دست دادیم که در مرزهای دسترسند، رفقا مرتضی خاموشی، خوربه بازگان، حبیب جابجی که در مرز ایران و ترکیه به شهادت رسیدند از آن جمله اند با دشمنان گرامی ما بد! تلاشهای ما در خارج کشور علیه رژیم شاه که سال ۵۳-۵۴ در درون یک سازمان غیربیولتری انقلابی صورت میگرفت و پس از آن نیز بازگشت در چارچوب مئی چریکی انجام میشد در خدمت انقلاب و در خدمت خلقمان بوده و در مقامی با سطح مبارزه و فعالیت که در منطقه خاور میانه جریان داشت و از کیفیت خوبی برخوردار بود.

"نودولستانی" از نوع آقای منتظری امروز، درماندگی خودشان و بسیاری از سازمان فعلی رژیم جمهوری اسلامی را "فرا موش" می کنند و برای توجیه وضع کنونی شان با برای خود تاریخ دروغین می سازند که اگر بخوانیم نمونه های را مثال بر زمین را خواهد کشید و با به لجن پراکنی علیه نیروهای نظیر ما -

بردارند با رشت نشان دادن جبهه ما با یک از جبهه های کربه خودشان فرو نیفتد. آقای منتظری، تلاش های جدید ساله بخش خارج از کشور ما هدین و سپس بخش منشعب از آن را که سابه و طبقه تشکیلاتی و انقلابی در کشورهای منطقه، در مرزها و بایگاهها و مطبوعات و رادیو و تماس های سیاسی و دیگر زمینه های مبارزاتی به فعالیت انقلابی مشغول بودیم و بنوعیه خودمان در امر پیشبرد امر انقلاب بوده های متعدده خلقمان و انقلاب منطقه انجام وظیفه میکردیم و مقتضای زندگی محفلی و تعقیب وزندان و شکنجه و شرکت در جنگ و شهادت را تحمل میکردیم" این دروآن در رفتن و گشت و گذار در اروپا می نامد. زهی بیشتر می!

او در ادامه دروغهایش، مرا که در آن زمان سابه اعتقادات سنتی و برداشتی که از اسلام داشتیم خود را موظف به اجتناب از "حرام" میدانستیم و بعدها تخریب از قول مارکسیسم لنینسم به احترام سنت را چنین انقلابیون منبهمان از هرگونه متروک الکی اجتناب کردم گرفتار! "شربوات الکی" می نامد و سابه و قبیله ادعای می سابه که کسان دیگری را به سابه این راه "غلط انداخته" ام! خطاب به ایشان باید گفت: آقای فقیه زاده! مطمئناً این دروغ بزرگ، ناشی از اختلال حواس نیست. شما با آگاهی کامل "مذاقت و راستی" خود را با این تخریب نشان میدید! واقعاً که بدلیل سریع بیفخ صدا انقلاب استحاله پیدا کرده است!

سوال: محمد منتظری در جای دیگر گفته است که شما (در سال ۵۴) بدلیل پذیرش مارکسیسم لنینسم از طرف خودتان را برای اوجین توضیح داده اید که محدودیت های جنسی موجب این کار بوده و با مارکسیست شدن، دیگران محدودیتها و جسد ندارند. (!)

جواب: این نه فقط مال بخلویای یک ذهن مریض بلکه نشانه کینه طبقاتی ای است که هر کس در صف دشمنان طبقه کارگر قرار بگیرد نسبت به کمونیستها از خود بیرون میدهد. اینرا بگویم که برای منتظری و امثال او مارکسیست شدن ما بسیار درد آور بود. شکستی بود که خواش را هم نمیدیدند. آنها همواره ادعا میکردند که کمونیستها از اسلام چیزی نمیدانند و اگر میدانستند به اسلام میگردیدند و حدیث "لوعلموا معالم آثارنا لاتبعونا" بخاطرشان میآمد. اما وقتی دیدند ما که بسیار پیش از ایشان و حتی بزرگترهاشان - اینرا دقیقاً بدون میل لایعنی گویم - قرآن را مطالعه کرده بودیم و آنرا آنقدر زنده و مترقی نشان میدادیم و البته به غلط نتیجه میگردیم که اسلام "به احتیاجات واقعی هر عصری پاسخ میدهد" (!)، ما که هیچ ابلاغه را آنقدر میدانستیم و در تفسیر و تفسیر آن (بعقیده خودمان در آن موقع) و اردو بدیم که حتی آیت الله خمینی را هم - بقول خودشان - به تعجب میانداخت (۱) و بارها شد که در مدرسه سید کاظم پیرزادی (نجف) وقتی به مسائل قرآن و ابلاغه برای چندین از طلاب منجمله آقای دعائی تفسیر میکردم برحیرتشان میافزود و گوی جز احترام نسبت به ما نداشتند بطوریکه یکی از آنها خود را در برابر ما "لنگه گفتی در بیان" معرفی میکرد. آنها میدانستند که من طی سه سال تحصیل در حوزه قم

بقیه در صفحه ۱۵

زمانیکه کمونیستها مدنی مزدور را بیرحمانه افشا میکردند، حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها و رویزیونیستها از او بیدریغ حمایت میکردند

بقیه از صفحه ۳

قانون ...

این با رجز و زبانت را از روی واقعیات کنار میزنیم تا آنچه که در درون اوست نمایان نشود.

رژیم برای حفظ وجهه خود از مدت قبل در حرف، بوسیله دستگا‌های تبلیغاتی شش کارگران و نمایندگان آنها را برای تدوین آئینا مه‌شورا‌ها دعوت به همکاری میکرد و چهره بظا هر دمکراتی بخود می‌گرفت! اما در عمل ما هیت ضد خلقی خود را درسی توجیهی بنظر نموده‌های خلق و پاداری از مصالح سرما به‌داران به نمایش گذاشت. نمایندگان واقعی و کارگران مبارز هیچگونه دخلتی در تدوین چنین آئینا‌های نداشتند. واضح است که این آئینا مه‌شورا‌ها قه‌ای در سینه و بوسیله کارشایان سرما به‌داری و شایب‌خیزی از نمایندگان خود فروخته نوشته شده است و به‌مافی بنی - صدر، رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب رسیده است و این درحالیست که درست چند هفته قبل از این بنی - صدر برپا دمید، "شورای شورا" بنی صدر که متوجه شده نمیتواند کارگران را آزاد شدن تشکیلات خود منع کند از دردیگری وارد شده و چنان لایحه‌ای را تصویب میکند که شورا‌ها را از درون خالی کرده و آنها را به‌الت دست دولت و سرما به‌داران تبدیل نماید.

آئینا مه‌شورای کارکنان (یعنی شورایی که از تمام کارکنان یک شرکت اعم از کارگر، سرپرست، فورمن کارمند، مهندس، ... و مدیریت تشکیل میشود) با مصلحت اتحاد را تبلیغ میکند و به‌قولی میگوید همه با هم برادرند! اما کارکنان را با هم و با رها در میان رزات خود دیده اند که سرپرست‌ها، فورمن‌ها، کارمندان و مهندسی یک کارخانه را که طرفدار کارفرما هم نباشند، اگر به‌الت دست کارفرمایان هم تبدیل نشده‌اند هیچگاه در میان رزاه علیه سرما به‌داران استواری و پایداری کارکنان نیستند و عموماً در یک مرحله گدا گها از میان رزاه دست می‌کشند و کارکنان را شایسته و سازش میکنند نفوذ و وجود این افراد در تشکیلات کارگری (شورا‌ها) مبارزات پیگیری و انقلابی کارکنان را دچار ریزلزل خواهد کرد بنا بر این اعضاء نمایندگان شورای کارگری می - با است از آگاه‌ترین و انقلابی‌ترین کارکنان تشکیل شود، چنین شورایی قادر است که حقیقتاً از مصالح با کارکنان یک موسسه یا کارخانه نیز در مقابل سرما به‌داران، زالی و محبت حمایت نماید و با حد اکثر آنکه سایر کارکنان اگر به‌لزوم تشکیلات مستقل خود برسد می - توان‌اند افرادی از میان خود بعنوان اعضاء شورا انتخاب کنند و شورای خود را تشکیل دهند که در این صورت شورای کارگری با شورای کارکنان دیگر همکاری خواهد نمود، البته با توجه به این مسئله که قدرت اصلی در کارخانه با مدیریت شورای کارگری باشد.

اما به‌نیمین رژیم تبلیغ شورای کارکنان چه هدفی را دنبال میکند؟

ماده ۴ آئینا مدت تشکیل شوراهای اسلامی میگوید: "مجمع کارکنان از کلیه کارکنان شاغل هر واحد در سطوح مختلف از کارگر تا مدیر تشکیل میشود." و در ماده ۳ انتخاب اعضاء شورا، تصویب اساسنامه و رسیدگی اظهار نظر نسبت به گزارشات شورا را جز وظایف مجمع کارکنان میگرداند یعنی آنکه مدیران کارخانجات نیز با بد در انتخاب شورای داشته و در تصویب اساسی

نامه و غیره دست داشته باشند. ما می‌پرسم مگر این مدیران چه کسانی هستند؟ مگر به‌آنکه آنها با خود سرمایه دارند یا آنکه اجرا کنند و او مرد دستور است سرمایه داران هستند یا می‌پرسم مگر به‌آنکه کارگران باید حق و حقوق اقتصادی خود را از زمین مدیران بگیرند و مگر به‌آنکه کارگران شورا تشکیل میدهند تا بوسیله آن بتوانند علیه مدیران و سرما به‌داران که بلا شک جز دشمنان طبقه کارگر محسوب میشوند مبارزه کنند پس منظور از رای دادن مدیران به شورا چیست؟ بجز آن است که عوامل دست نشاند خود را وارد شورا کنند و شورا را از درون خالی نمایند! بلکه این است یکی از خواسته‌های رژیم جمهوری اسلامی، خواهی که مستقیماً علیه کارگران و تشکیلات آنها ست و خواهی که شروع کار است چون حق رای دادن که هیچ، رژیم چینی میخواهد کاری کند که خود مدیران عضو شورا هم نباشند. اصل ۱۰۴ قانون اساسی میگوید: "به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری (!!) در تهیه برنام‌ها و ... شورا‌هایی که مرکب از نمایندگان کارکنان و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران ... تشکیل میشود" و با در ماده ۷ بندهایی واضح تر مقصود خود را بیان میکند: "شورای اسلامی کارکنان می‌بایست حتی الامکان در برگیرنده تخصصهای مختلف بوده و همچنین از رزاه‌های مختلف اعم از کارکنان ساده و مدیریت در شورا عضویت داشته باشند. رژیم برای پیشبرد اهداف خود بوضوح پیوندنا گسستن این را با سرما به‌داران نمایان می - سازد و بیشتر ما نه‌تنه خود آن خود را بر شورا‌ها، این دستاورد برای ارزش قیام مفید می‌آورد، نفوذ مدیران در شورا‌ها یعنی نفوذ دشمنان کارکنان در سگرتا آنها. در این سگرتا رژیم جمهوری اسلامی دست در دست سرما به‌داران و امیرا لیس‌در سگرتا مقابل قرار گرفته است و بدستی قدرتمندترین دشمن خود را کارکنان و زحمتکشان تشخیص داده است. و بهترین راه‌آورد آوردن ضربت خود را بر کارکنان و دهقانان نفوذ در درون تشکیلات آنها یافته است و در این راه این قانون سرما به‌داری است که به کمک آنها می‌آید و دست آخر برای آنکه این عمل خود را لایو‌ثانی کند و وجهه ملی و اسلامی و بشری‌شانه‌آنها نبخشد، نام این عمل را همکاری و همبستگی می‌گذارد. چنانکه در ماده ۴ می - افزاید: "شورای اسلامی کارکنان از زمین کلیه کارکنان واحد اعم از کارگر تا مدیر (!!) انتخاب و بمنظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور و ... ایجاد روحیه مسئولیت، همکاری و همبستگی بین کلیه کارکنان و ایجاد خود - کفائی اقتصادی (!!) و تحکیم مبانی جمهوری اسلامی ایران فعالیت میکند." این همان قل و زنجیری است که در بار رجز و زبانت پیچیده اند، نفوذ مدیران، کارمندان و سرپرست‌ها در شورا‌های کارگری بمنظور همکاری و همبستگی بین کلیه کارکنان (در حقیقت به منظور از هم پاشیدن تشکیلات کارگری) این همان عملی است که باعث "تحکیم مبانی جمهوری اسلامی" میشود. ولی که ملا درست است، تحکیم مبانی جمهوری اسلامی بستگی به آن دارد که سرما به‌داران و عوامل آنها هر چه بیشتر در تشکیلات کارگری نفوذ کنند و آنها را از داخل ملاتری سازند، بستگی به این دارد که قدرت توده‌های خلق که در تشکیلات آنها تجلی یافته بودند نباشد، و این

درست همان چیزی است که امیرا لیس‌مخو را رمدتها است انتظار آنرا میکند و بوسیله ابادی خود چه در هایت حاکمه و چه در خارج از آن این هدف را دنبال میکند اینجا است که منافع امیرا لیس‌مخو را بویا یکاه داخلش یعنی سرما به‌داران و دولت آنها در هم گره خورده است و سگرتا حدی را تشکیل میدهند و اینجا است که رژیم جمهوری اسلامی جاده‌های فک امیرا لیس - جها بخوار است.

تازه موضوع به اینجا ختم نمیشود، احتیاج به ماده و بند و تبصره و تفصیلاتی است که این نفوذ را تا عمیق شورا‌ها ادامه دهد. ماده ۸ لایحه میگوید: "به منظور گسترش مشارکت عام مردم در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و ایجاد روحیه همکاری هر چه بیشتر آنان در اداره امور خود و افزایش احساس مسئولیت پذیری مردم در حفظ و پایداری از انقلاب شورای اسلامی کارکنان با بدنامی‌ده خود را در مدیریت معرفی کند. در واحدهای کوچک بعنوان عضو رابط و در واحدهای بزرگ بعنوان عضوا رابط با عو هیئت مدیره" ظاهر با شای دارد! نماینده کارکنان با بد در جلسات هیات مدیره شرکت کند، از تصمیمات آنها با خبر شود، و کارکنان را در جریان امور قرار دهد. ولی وقتی بقیه آئینا مه را مطالعه کنیم این ظاهر با شای را می‌روند ما هیت آن خود را نشان میدهد. در بند ۳ وظایف عضوا رابط میگوید: "جلب همکاری کارکنان در جهت اجرای صحیح تصمیمات منته‌در مدیریت" یعنی آنکه وظیفه عضوا رابط آن است که کارکنان و کارمندان را به اجرای صحیح تمام آن چیزی که هیئت مدیره تصمیم گرفته است وادار سازد، یعنی نماینده شورا به‌جای سرکوب کارکنان تبدیل شود، نماینده شورا موظف است که تصمیمات هیات مدیره را بدستی اجرا کند.

پوزش و تصحیح

در شماره ۶۶ صفحه ۶ شری از رفیق شهید احمد مودن آمده است که قرار بود با دستخط خود رفیق چاپ شود ولی متأسفانه عین دستخط چاپ نشده است. ضمن پوزش آن را در مجموعه یادنامه شهیدان خواهم آورد. تصحیحات ضمیمه ۶۶

صفحه ۲ ستون ۱ پاراگراف ۲ بطرف: بجای "شیوه تولید سرما به‌داری در جامعه وابسته"، "شیوه تولید سرما به‌داری وابسته در جامعه" آمده است. "عملکرد سرما به‌مالی امیرا لیسیتی"، "عملکرد سرما به‌مالی" آمده است.

ستون سوم ۶ سطرها نده به آخر: "بخان با انحصارات امیرا لیسیتی و صاحبان سرما به‌های انحصاری وابسته" درست است که کلمه امیرا لیسیتی جا افتاده است.

صفحه ۳ ستون ۱ پاراگراف دوم بطرف: "در عین حال خرده بورژوازی - منهای بخش محافظه‌کار و ارتجاعی آن" درست است که بخش جا افتاده است.

صفحه ۵ ستون دوم پاراگراف دوم، ۱۰ سطرها نده به آخر ستون: "با نگر خرده بورژوازی یعنی سبانه نگر طبقه سیالی است که ... بجای کلمه سیالی اشتباه سیایی تایپ شده است."

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

بقیه از صفحه ۴ مبارزه ...

آنها ابتدا ادعا می کنند که این عده کمونیستند و آنکه که نماینده وزارت کارند می خواهد عیبانی شده و میگویند: "آقا ما سدی نداریم، بنویسید آنها را طبق ماده ۳۳ اخراج کرده ایم!"

۲ - مراجعه به مطوعات (کپهان، اطلاعات و انقلاب - اسلامی)

۳ - کارگران اخراجی هر روز بطور مرتب در برابر در کارخانه جماع کرده و هنگام تعطیل شغلیست کارگران برای آنان صحبت کرده و در مورد شورا و مدیریت به افشاکاری می پردازند.

در ضمن در این مدت چندین اعلامیه و تراکت از طرف نرسیده های "بیک ساج" و "ساج مبارز" و همچنین بیک اعلامیه متحرک از طرف این دو نشریه و "عده ای از کارگران مبارز" در کارخانه و نیز جلوی در آن در سطح وسیعی پخش شده است. کارگران برخلاف گذشته بیشتر اعلامیه ها را خوانده و آنکه ها کرده و در جیب خود می - گذارند. افشاکاریهای کارگران مبارز از درون کارخانه و بیخارج اعلامیه های افشاکرانها شیر خوشی روی کارگران گذاشته است. مبارزه کارگران اخراجی برای بازگشت به سرکار همچنان ادامه دارد.

بقیه از صفحه ۱۶ یاد ...

در دانشگاه تهران فعالیت سیاسی اش را دنبال کرد. در آذرماه ۱۳۵۸ در رابطه با مسائل سیاسی - اندوژلوژیک هوادار سازمان شد. اسامان به منی را متین پروتیارا اکنون وظایف سنگینتری بر دوش گذاشته بود. دیگر او می توانست در سازمان رنج و زحمات هر چه میساز انقلاب را بسند. سوسیست مسلم به صفوف دانشجویان هوادار سازمان مادر آذرماه ۵۸ فعالیت سیاسی او را مدچندان نمود. مسلم دیگر تمام مریدانش را و فدائیانقلاب کرده بود. خانه و زندگی را به سرها گرد و پا سگوست در خانه های میدان غا به کار خود در میان نوده های زمختن و وسعتی ایایی داد. انضباط تشکیلاتی و بشکارت انقلابیش را نزد همه رفقای بود که با او کار میکردند. او در مدت کوتاهی بدلیل استعدادش بویژه در امرتسا با توده های زمختن و جذب آنها بسوسی علم رها می طیفه کارگر رندریعی در تشکیلات دانشجویان هوادار یافت.

سرانجام بدینال یک وظیفه تشکیلاتی در تصادف با یک کمیسی (در سه راه فرخاوند - کارگر) قلش که با عشق به بیگاری سخت و بی امان در راه آزادی طبقه کارگر می تپید از حرکت باز ایستاد. اما پیدا است که راهش جاودان است و پیدا است که همه رفقای که با او در بیگار همرا ه بودند از این علاقه و انضباط و بینکار رفیق در سپای گرانپا می آموخته اند.

بادش کرامی و راهش را بنده بساد!

بقیه از صفحه ۱۶ مردم ...

حاجی ناصر، بویژه نماینده ای منتشر کرده است. آخرین خبر حاجی است که دادگاه به اصطلاح انقلاب با گرفتن ۵ میلیون تومان وثیقه، با رد دیگر حاجی ناصر آزاد کرده است ولی آبا زمینگان اسلام شهرای این دادگاه را تا شید کرد؟! ...

سیاست های جدید ضد شورایی و ضد کارگری هیئت حاکمه را در صنعت نفت هر چه بیشتر افشا کنیم!

علیه پس مانده های رژیم گذشته و بنا به تازه ای با فیه است. همچنین درگیریهای بین جناحهای مختلف هیئت حاکمه و بنا به تیران در درون صنعت نفت و انجمن اسلامی آن و بهم خوردن سیاستها و برنامه های رژیم برای کنترل و تضعیف شورا و به انحراف کشاندن مبارزات کارگران و کارمندان، همه و همه اوضاع را تغییر داده است.

رژیم دیگرمانند گذشته بر شورا تسلط ندارد و اینک مجبور است به کل آن لگد بزند و آنرا از سر راه خود بر دارد. سیاست نفوذ در درون شورا و به انحراف کشاندن آن، سیاست لباس زدن به یار و یارین، ریش گذاشتن و تسبیح بست گرفتن و ادعای مصلحان کردن دیگر سپری شده است. شورا اینک موی دماغ شده و با از جلوی پا برداشته شود. به همین جهت است که رژیم با گرما سگ فریب از چهره برداشته و دیگر درگیریهای درون صنعت نفت را دعوی بین اسلام و کفر می داند و آنکارا با کل کارگران و کارمندان در اصفهان و در این رابطه است که تصمیم گرفته خبال خود را از جانب تورا را ح کند. معین فرطی بخشنده ای که بهمان است انصاف شماسی ما در گذشته زوی میخواستند که با "انفرت" - طلایی بصورت چهره های اخلاقی نفس ضد انقلاب را بازی می کنند" مقابل بکند. (با کدا زمانه ۱۰)

اولین تعرض شماسی علیه شورا اینگونه آغاز می شود: دسر شورا به اتفاق ۵ نفر از نمایندگان شورا ی تعمیرات مارون شرق با حکم شماسی معلق میشود. اما جرم اینها چیست؟ شورای تعمیرات شرق اهورا - سیه قویفکر عنصر سرسپرده رژیم پیشین اجازه نداده است که آزادانه دست به انتقاد بزند و شماسی با بدبختی که دارد میداند از چه کسی باید دفاع کند و با جغکی در - سفتد و تازه این آغا ز حرکت است! امروز اخراج نمایندگان شورا، فردا اخراج غیرمصلحان صنعت نفت و بعد ...

کارگران و کارمندان ما رز صنعت نفت! سیاستها و اهداف تازه رژیم را افشا کنید. واقعیاتی که پشت تغییر و تحولات اخیر خوابیده است، برای کارکنان صنعت نفت با زکو کنید. شماسی ها، تندگوییها را به کارکنان صنعت نفت بشناسند و اهداف آنها را در رابطه با توطئه علیه شورای صنعت نفت، اخراج نمایندگان انقلابی ... بر ملا سازند.

از شورا های خود بخوابیدنا هم بنظر که خبیثه دفعه قبل نشان داد با سرکاری مجمع عمومی و مراجعه به توده های کارگر و کارمند، نظرات انقلابی شمارا پس ببرد. سیاستها شده که تنها مجمع عمومی می تواند شورا را ازادی که عناصر را رنگار برای آن کشیده اند بر خرد دارد. مجمع عمومی میتواند شورا را تحکیم کند و با قوت گرفتن شورا از نیروی کارگران و کارمندان بوسیله مجمع عمومی حمایت کارکنان دیگر، هیچ - نیروئی را قادر به مقابل بلبه آن نیست.

تنب و تاب مبارزه کارگران و کارکنان صنعت نفت علیه پس مانده های رژیم پیشین همچنان زنده مانده و این در حالی است که دیگر ما یک فریب و نرسنگ از چهره رژیم جمهوری اسلامی دریده و به برای بسیاری معلوم گردیده که این رژیم به دربی تا من منافع کارگران و زمینگانان بنکها ما با در جهت باز سازی همان سیستم گذشته (سیستم سرما به داری وابسته) قدم بر میدارد.

بدینال تصفیه برخی از عوامل وابسته به رژیم سابق در صنعت نفت ا هوا ز که توسط شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت ا هوا ز را مجا م گرفت و پستبانی وسیع کارکنان را به همراه داشت. معین فروزیر صنعت شماسی این کهنه لیسرا ل رسوای صنعت نفت را به سمت ریاست اداره سابق نفت خیز کار د و به اختیارات زیادی وا کدا کرد.

شماسی که بهیچکام مافرت با زرگانی به مناسطی تختبیشگی بدینال بند کردن خود به هات و بیزه اما میبودنا در تقسیم غنا شمشپتهای صنعت نفت جاشی برای خود دست و پا کند، بعدا به آستانه سوسی مدنی حلال رفت و مدتی به سمت معاونت در دفتر ا و به کارگزاره شد. وی اینک با فرا گرفتن در اس ادارات صنعت نفت به آرزوی دیرینه خود رسیده است.

شماسی زما نیکه خود شخا در شورای مرکزی حضور داشت تمام کوششش را برین بوده که شورا را به عنوان زانده دستکاهای دولتی در آورده. وی همچنین می - کوشید تا با آب تیره ریختن بر سر هات مدیره فا سدا ز با کساری آنها جلوگیری نماید. او حتی در شورا اسناد با کساری عوامل رژیم پیشین را به سرقت برد.

گذشته از شماسی، معین فرا تنها دیگری هم کرده است. وی محمد جواد تندگویان را که زمانی در کمیته با اصطلاح با کساری همدست حیدری (هزاره ای مغسوفه بود، اینک بجای سرکسان به مدیریت مناطق نفت خیز منصوب کرده است.

تندگویان پس از این اعتبار با بلافاصله جمع - آوری عناصر وابسته به رژیم سابق می پردازد و پستهای حاس مدیریت را به آنها و اکذا رمی نماید. مثلا وی "حاجیان تهرانی" را که یکی از دست پروردگان کتسر - سیوم است و در ما گذشته توسط شورای مرکزی اخراج شده بود بعنوان مشاور فنی خود برگزیده است.

رژیم جمهوری اسلامی گذشته از این تغییر و تحولات و جابجایی ها، از آنجا که شورا را بدرا خود می بینند انحلال آن را در دستور کار خود قرار داده است.

اکر طی یکسال و نیم گذشته رژیم به سوهمزادی که کارگران و کارمندان این شرکت نسبت به رژیم داشتند و ترا دولت منتخب خود میدانستند، سرمداران حاکم توانستند با استفاده از عواملی چون شماسی و دارودسته انجمن اسلامی شورا را به زار کشانده و در جهت اهداف خود سمت و سود دهند. اینک این زمینه شکل سابق وجود ندارد. مبارزه کارگران و کارمندان جزء

تازمانیکه ۳۵٪ بر دس تمزدها افزوده نشده سود ویژه گذشته پرداخت باید گردد!

تداوم...

تفیده از صفحه ۱
بیکاری، وکاهش و ورگودبولنداد صنعتی و
"وضع خیم" سیاسی در جامعه، تنها از طریق
دگرگونی بنیانی نظام مصلحت برجا معدوم است. استقرار یک
نظم بویین انقلابی امکان پذیر می باشد. و این نظم
نویین نیز جز از طریق فراگزشتن برولناریا و منحدان
تاریخی این یعنی تمام زحمتگان در رهبری انقلاب
میسرنمی باشد. انقلابی که با سرگون کردن نظام
بر ما به داری و ایستد، با دیوگرا نبره کردن حیات سیاسی
کتور (سپردن حکومت بدست زحمتگان از طریق تشکیل
شورا های کارگران، دهقانان، سربازان، و...) و
راه برای سوسا لیستی کردن تمام و شل تولید
جمعی هموار می سازد. این انقلاب تنها با انکاسه
سروی لائبرال بوده ها و وسیع تمام نموده های فعال
می تواند نیازهای تمام زحمتگان را مرتفع ساخته
و دشمنان زحمتگان را از عوامل مده انقلاب داخلی
و جدو طشت های خارجی مده انقلاب جهانی را در منطقه
تا بوند نماید. تنها چنین انقلابی قادر است نیروهای
تولیدی را تنها مل بخلیده، اسعدا دارا را شکوفا نموده
و درجهت خدمت به خلق با رورسرا خدو سوسیس و
تشکل هرجه بیست برولناریا و زحمتگان بر داخته و
لحظه ای از منافع همه زحمتگان و آگاه نمودن آنها به
منافع تاریخی و طبقه ای غافل نماید.

بورژوازی سیر برای پایان بخشیدن به این
بحران راه حل خود را در دومی خواهد از طریق بازسازی
نیادهای یوسده سیستم سرمایه داری و ایستد، با انجام
بعضی رفرمها در چهارچوب همین نظام و یا "مسروغ"
جلوه دادن سرمایه داری به بحران که خود را انسی
سرمایه داری است خاتمه بخشد. شم بورژوازی لیبرال
قوی است و خوب می داند تا زمانیکه بحران موجود
اقتصادی و سیاسی پایان نبخشد نخواهد توانست سلطه
خود را در قدرت سیاسی تثبیت و تحکیم نماید. و همین
دلیل نیز هیئت حاکمه کنونی بلافاصله بعد از استقرار
گرفتن در قدرت سیاسی در ۱۷ ماه پیش خواهان حل این
بحران بنحو "خدا یستدانی" - بخوان به معنی -
سرمایه داری و ایستد بود، کوشش بیدریغ با زرگان
دربار برای انقضا دگشور در چهارچوب سیستم سرمایه
داری حاکم بعد از آن فعالیت های نشا به روزی بینی
مدر داریا به همان سیاست های ضد مردمی با زرگان
بنیانگذاشته است این رژیم بورژوازی در حل و پایان
بخشیدن به این بحران روبرو شده می باشد. اما هر
خواستی سواست نیست. مها کنون بحران ناشی از
سرمایه داری و ایستد بدلیل شدت یوسدگی این نظام
وندوم همین بحران در چند سال گذشته موجب شده که
این بحران عمیقاً در تمام منهای اقتصادی - اجتماعی و
سیاسی جامعه ریشه دوانده، رشد و گسترش یابد. به علاوه
نوده های استبدید زحمتکش و قهرمان مان نیز که با لیا
منمادی در بدترین شرایط و فقر و سوسه روزی زندگی
کرده اند و با نیازات قهرمانانه خود بی رحم ترس و
خوبخوا رترسین قدرت سیاسی را به اعمال تاریک
سپرده اند و بگریه رفرمهای بنی موری در ستر همان
سیستم سرمایه داری و ایستدین در تمدهند. خدمت بحران
موجود و خواست انقلابی نوده ها باعث شده که هیئت
حاکمه با اینکه "و خامت اوضاع" را درک می نماید ولی
هر روز تا توانش را زبیش در راه شک برنا مده و ایستد

کار ساز ز درباریان بخشدن به بحران موجود نماید. -
به همین دلیل است که سیریت برنا مده و بوجه صریحا
اعلام می کند که "سرمایه داری مدت بدست نواست
و بحران کشور، آرمانها و هدفهای این جمهوری غیر
قابل تهیه است و برنا مده کوتا مدت سابع حریات
روزی باشد." - گنجان ۲۱ خرداد -
نظرات اخیر سیریت صدر این سوز و آفرین نیست
دور اندیش که فکری کند جواب همه مسائل را آماده در
آستین خود دارد. بوضوح و رستکی و در هم رختکی
همه راه حلها و سیاست های بورژوازی برای فاش شدن

ناگزیر است هر روز بطور متوسط دو میلیون شکست
با قیمت شکست ۳۵ دلار به کشورهای خارجی بفروشد
۷۷ میلیارد تومان از طریق درآمدهای عمومی یعنی
مالیات و عوارض کمتری و... و بقیه یعنی ۴۳ میلیارد
تومان نیز دولت کسری بوجه خواهد داشت، که دولت
این کسری را با بدهی از طریق فروش اوراق بدهی در منزل
فرصه ملی و با اجاب انکاسه های جدیدان میسند.
از آنجا که دولت از فروش نفت از رخا رخی مثلا دلار سا
مارک و یا... دریافت می کند، ضروری است که این ارز
را به نحوی به یول رایج در داخل کسور یعنی رسال

- شم بورژوازی لیبرال قوی است و خوب می داند تا زمانیکه بحران موجود اقتصادی و سیاسی پایان نبخشد نخواهد توانست سلطه خود را در قدرت سیاسی تثبیت و تحکیم نماید.
- خدمت بحران موجود و خواست انقلابی توده ها باعث شده که هیئت حاکمه با اینکه "و خامت اوضاع" را درک می نماید ولی هر روز تا توان تراز بیش در راه یک برنامه و سیاست کار ساز را در پایان بخشیدن به بحران موجود باشد.
- برای رژیمی که ۸۰ درصد بوجه اش متکی به نفت می باشد، واردات کالا از خارج بمیزان ارزی که از این بابت دریافت می دارد امریست اجباری

تبدیل نماید، تا بتواند این پول را صرف امور جاری
ملکیتی و امور عمرانی کند. نحوه عمل با این شکل
است که خود دولت با درست داشتن این ارزها بخشی
را خود اقدام به خرید کالا از خارج کشور نموده و بقیه ارز
را در داخل به تجارتی فروخته و متقابلا پول را به
داخلی از آنها دریافت می دارد. البته تا رتیز با وارد
کردن کالا از بازارهای بین المللی و با فروش آن در
داخل علاوه بر پولی که به دولت پرداخته اند مقداری
نیز سود بدست می آورند. بدین نحو دیده می شود که
کردن تبدیل نفت به ارز خارجی که در اختیار دولت
قرار دارد و تبدیل آن به یول رایج ایرانی که با زور
اختیار دولت قرار می گیرد فقط از طریق خرید کالا از
کشورهای خارجی امکان وجود پیدا می نماید. به سبب
این برای رژیمی که ۸۰ درصد بوجه اش متکی به نفت
می باشد واردات کالا از خارج بمیزان ارزی که از این
بابت دریافت داشته امیریت کلا اجمالی، بزرگان
دیگر در جامعه، دولت را از خارجی سرمایه داران نه تنها
با بدست رای به کشورهای خارجی بفروشد بلکه با بسد
تجار را نیز به وارد نمودن کالا از خارج تشویق نماید
تا دولت با بدست آوردن پول رایج داخلی هزینه
دستگاه های سوز و کرسی و ماشین سرکوب خود را تا مین
بنماید. هم اکنون بدلیل اختلافاتی که در فروش نفت
بوجود آمده (اخبارا درات نفتی کشور بدو دمنصف
پیش بینی دولت در بوجه ۱۳۵۹ تقلیل یافته است -)
در نتیجه آن دولت با کسری بیش از بوجه روبرو می
باشد این کسری بوجه پیش بینی شده قبلی در حدود
۱۲۳ میلیارد تومان یعنی متجاوزا ۴۰ درصد از کل
بوجه عمومی را تشکیل میدهد.

بنابراین با توجه به گفته های بالا اثرات کاهش
درآمد دولت از تقلیل فروش نفت برخلاف نظرات بنی
مدر و خارج از اراده وی بوده و در شرایط فعلی ناگزیر
مشکلات بزرگی را در اقتصادا معده که حامل سیاست های
بورژوازی و ضد مردمی هیئت حاکمه می باشد، بشکل
زیر بار خواهد گذاشت:
اولا - ارزش واردات کالاهای مصرفی و واسطه ای (در
تفیده در صفحه ۱۴

آمدن سیر بحران حاکم در جامعه را نشان میدهد. ولی
ما حمل محبت ها را که در حله بدست قیمت اجناس
استاد اده در نوشته "روزها ورشش جمهوری چگونه
میشود" اسطورسان می کند:

"... بحث بهمان نتیجه انجام میدهد که بدفعات با مردم
در میان گذاشته ام. مطلب ساده است، بوجه مسا
کسریا دارد. اگر ما نخواهیم این بوجه را تمام
خرج بکنیم قیمت ها بدست بالایی رود و اگر خرج
نکنیم بوجه را صرف بکنیم با دو مشکل روبرو
هستیم، یکی افزایش بیکاری و یکی دیگر تورم و
بنابراین اگر نخواهیم صرف بکنیم و برای جذب
تورم بکنیم، کم کردن افزایش قیمت ها، واردات بکنیم
اولا شش ماه طول می کشد تا سفارشات ما برسد
تا با ما وجود ما صرفا افتدای کارآسانی نیست.
بنابراین یک راه حل دیگر راه حل سیاسی است
با این معنی که با بدجوی رادرت کنیم که بتوانیم
از معنویت اسلامی استفاده کنیم. در افزایش
تولید و در اینکه مردم بیکار رنجت کنند.
زیاد کار کنند و کم مصرف کنند... و گرنه وضع
اقتصادی بغایت مشکل خواهد بود... - انقلاب
اسلامی - ۴ مرداد -

برای "درمان گذاشتن" این "مطلب ساده" -
تردم "ضروری است نگاه بی بهار قام بوجه عمومی
دولت در سال ۱۳۵۹ ببینیم، ما معلوم کردیم چگونه
دولت انقلابی ایناگزیر است به "واردات" اده داده،
"بوجه را تمام خرج بکند و نه تنها" بیکاری و یکی
دیگر تورم "رشد بکنند بلکه قیمت اجناس نیز هر روز بالا
- تر رفته و تولیدات صنعتی داخلی با زحماتش باید
در یک کلام، بحران موجود هر چه بیشتر تحت بافتد و
مرتبه به فقر و سوسه روزی نوده ها میبازاید.

بوجه عمومی دولت در سال ۵۹ متجاوزا ۲۸۰
میلیارد تومان برآورد شده است، در این بوجه نفت
مهمترین منبع درآمد را تشکیل میدهد، بطوریکه تنها
۱۶۰ میلیارد تومان یعنی ۵۰ درصد کل بوجه از
طریق فروش نفت تا بدولت می شود، (یک حساب ساده
نشان میدهد که برای تامین این مقدار درآمد، دولت

مشکل زحمتکشان گرانی، گرانی، سرمایه دار و تاجر عوامل گرانی

نگاهی ستازده به شعر انقلاب مشروطیت:

آینه زنده هنر برابر توفان انقلاب (۱)

قبل از شروع

بدون هیچ گفتگو ما خوان یک بررسی مانیسم است
دیا لکتیکی از هنر دوران انقلاب مشروطیت - همچون
تمام پدیده های مادی و معنوی - هستیم. درک مارکسیستی
در این زمینه بر این حقیقت به عنوان یک اصل عام
و فلسفی پای میفرستد که همه پدیده های معنوی و کلا
شعور اجتماعی اعم از اشکال گوناگون آن چه در قالب
شناخت حسی و شناخت علمی ... با زتاب پدیده های
عینی و حیات مادی جا می افتد. اما تا اینجا مسئله
کلی تر از آن است که بتوان با این معیار در برابر
آیده های بورژوازی مرزبندی دقیق کرد. اینکه هنر
همیشه به جلوه ای از شعور اجتماعی با زتابی است
از واقعیات اجتماعی، اینکند و حق هنر و بنا بر
آفرینش هنر، عامل یک سلسله ضروریات عینی است
تمام حقیقت نیست. ما تنها لیست تاریخی در عین حال
تا کید میکنند در آن زمان که جا می افتد طبقه

و از این رو است که ضرورت برخورد ما رگست -
لنینیستی به هنر دوران گذشته - و در اینجا هنر انقلاب
مشروطیت - به عنوان یک ضرورت اساسی پیش رو قرار
میگیرد.
درواقع دیگرگاهی است که آئین گاران پرولتاریا
این آموزش اصولی را بصورت جزئی از جنبه آگاهانه
نهضت کارگری جمع بندی نموده و در ارتباط با آن طی
مبارزه ای پیگیر، انحرافات گوناگون را به شکست
کشانده و جریانی را مغلوب و افشا کرده اند که تحت
پوشش ایحادیک هنر پرولتری "خالص" خواستار قطع
پیوند مکانیکی پرولتاریا و بی سوچی خشک نگارانه

هنر دو جهان زمین سالک انقلاب مشروطیت، پسرا
رسیده است. کمونیستها همواره خا طره زنده میا رزات
گذشته بوده ها را، با یادآوری درسهای مبارزات انقلابی
که به تازگی رخ بینکارها و تحولات پیوسته است برای بشری
آگاهانه در راه مبارزه انقلابی آینده گرامی میدارند
این مبارزات حاصل تلاش عظیم و سترگ طبقات تحت
ستمی است که با صراحت و جا نماندنی، خواسته های طبقاتی
خود را دنبال کرده اند و به این ترتیب بخشی از نا رخ
تکامل جامعه را بسوی آینده ای تابناک با خون خود
نوشته اند. از این رو در رابطه با "هنر معاصر" هنر
پرولتری، اینک بررسی ادبیات دوران انقلاب مشروطه
هر چند در قالب طرحی فشرده، از مناسبت برخورد خواهد
بود. زیرا "هنر" از دیدگاه ما رگسیسم - لنینیسم همواره
بخش جدائی ناپذیر مبارزه طبقاتی و ابزار خلاقانه
در خدمت مبارزه با احساسی و معنوی زندگی و بینکارهای
طبقات بوده است. و این حقیقت بی تردید در خصوص
هنر و ادبیات عهد انقلاب مشروطیت از صحت تام برخوردار
است. هنر آن دوران، چونان آئینه ای زنده برابر
توفان انقلاب به ثبت رسیده است. آئینه ای تمام
قامت که همه خصوصیات انقلاب، هم عنوان و نیروی
توفان را و پیداری بخش آن از سویی، همه معضله ها و
شناخت تاریخی اثر را از سوی دیگری نمایانند.
هنری که در سطوح همپا رز انقلاب با طنین خونینش
که از شوق زندگی میلرزید، انعکاس می یابد و هم
صدای دردناک شکست جنبش فدا میریای لیستکی و
دیگرا نیک بوده ها.

اما ضرورت برخورد به هنر انقلاب مشروطیت را
صرفا در این چهار چوب تنگ توضیح دادن، تنها میتوان
بنا نکرد. باید که مسائل پیچیده در حیطه ضروریاتی
نگرش محدود بشمار آید. چرا که پرولتاریای انقلابی
خواهان دست یافتن به مجموعه غنی فرهنگ بشری است
البتنه به گونه روشنگرانی که عطشی سیری ناپذیر به
کسب معرفت و فضا بل و شناخت کلی نسبت به هر چیز در
خود احساس میکند و نیکه بکا ننه آن را بر ذهن، منجر
به عشق کور و جاد از مبارزه مشخص و واقعی طبقات
به "دانش" میشود. پرولتاریای که طنین گامها بس
چهار رستون و اقصای دهنی را به لرزه می اندازد و بسوی
وبرا نگرانی نظم کهن و برپا کردن نظم نوین به پیش
می تازد، پرولتاریای که تغییر و واقعیت و به انجام
رساندن اهداف مشخص و نوین، با زندگی و مبارزاتش
گرم خورده است، نمیتواند و نمیتواند هدیکو ننه
آگاهان دیمین های گوشه نشین به هنر گذشته برخورد کند
پرولتاریای آگاه، از آن رویا زیه شناخت هنر دوران
سپری شده، در اینجا هنر انقلاب مشروطیت - دارد که
میخواهد آن را به پیمان به بخشی از مجموعه فرهنگ بشری
در خدمت مقتضیات پیکار عظیم خود در آورد. پرولتاریای
آگاه برای دگرگونی آگاهانه جهان پیرامونش و همه
پدیده های اجتماعی گذشته و حال به آن برخورد میکنند
آن را می شناسد، جریانه های منفی و کهنه را طرد
می نماید و جنبه های زنده و نوین را، خلاقانه در خدمت
اهداف مبارزه انقلابی خود در می آورد. آری پرولتاریا
در رشته هنر هم نیاز به آفرینش هنری خود دارد، اما ننه
هنری خلق الهی بلکه هنری که در ادا به همه دستاورد -
های انقلابی ما لیکن با کیفیتی جدید با برعه می نهد



به هنر غیر پرولتری گذشته و جدائی محض از همه دستاورد
- های هنر بوده اند که طی تاریخ پرپیچ و خم تکامل
بوجود آمده و آئینه تحولات روحی و عاطفی طبقات
گوناگون بشمار می آید. چنین مبارزه ای علیه
انحراف ذکر شده و نشان دادن اهمیت بهره گیری و
درس آموزی پرولتاریا از جنبه های انقلابی هنر
گذشته، بویژه در دوران جنبش سوسیال دموکراسی روسیه
و پس از انقلاب اکثریت به هنر لنین کبیر، بنا به پیچ
شوریک از هنرهای مبارز و در دهه های آینده به آن خواهیم
پرداخت و نتایج زیبائی شناخته و زمینه فلسفی آنرا
خواهیم تکامل داد.

اکنون که ضرورت شناخت ادبیات گذشته را با سی
- ترین وجه آن و طبع ضرورت شناخت هنر و ادبیات
دوران انقلاب مشروطه به یکدیگر از نظر لازم ترین دوران
هنرمین ما از زاویه مقتضیات ذهنی و آگاهانه
نهضت کارگری کم و بیش آشکار شده است، بهتر است
توضیحی کوتاه به شیوه برخورد و بررسی خود بنماییم:

گوناگون منقسم گشت، همه پدیده های معنوی با نیازها
و ذوق طبقات مختلف اجتماعی می خورد، یعنی آنکه
در جامع طبقاتی این محیط اجتماعی مشخص است که
محتوا و اشکال هنر مشروطیت میکند اما ننه پیمان
نتایج کار فردی ارتباط با هم، بلکه همیشه به
فعالیت هنری عموما از اعما یک طبقه، که در عمده -
ترین و اساسی ترین جنبه های فعالیت خلاقانه ذهنی
- اش در نقش بازگو کننده احساسات، روحیات و خواست
- های طبقه ای مشخص در دورانی مشخص ظاهر میشود.
چنین اصل اساسی مارکسیستی است که با همه
بررسی شناخته ما، از ادبیات مشروطه با بدوا رگردد.
مشروطیت بودن آفرینش هنری دوران انقلاب مشروطیت
به محیط اجتماعی خاص، تنها در این رابطه توضیح
داده نمیشود که هنرنا میرده ظاهر را رنگ شرایط عینی
آن دوره را پذیرفته بلکه مهمترین آن مقامین
نوع احساسات، مسائل و درگیریهای روحی و عاطفی
خواسته ها و آرزوهای و بیش نهفته در این آثار همه و همه
نما ما تحت تاثیر تعیین کننده شرایط مادی و بیژنه
آن زمان بوده و میرجهان عینی طبقات مشخص و در عین
حال نیازهای اجتماعی آن را برپیشانی دارد این
همان اصلی است که تا کنون در اینجا با ما توجهی
جدی به آن نشده است، و در انواع تقسیم بندیهای
که از ادبیات دوران مشروطه صورت پذیرفته و جنبه ای
آشکارا غیر علمی دارد - چون هنر فتنی، هنر غیر فتنی
- کمتر نشانی از یک برخورد طبقه ای دیده میشود.
همچنین با بدگفت با همه آنکه هنر پیمان به بخشی
از شناخت بشری، مجرد از عینیات اجتماعی نیست و
نسبت به آن جنبه تبیینی و ثانوی دارد، با این همه به
عنوان یک پدیده ذهنی متما یز از عینیات است و
دارای پروسه رشد و تکامل خود ویژه است. فرما با آنکه
تکامل دانش بشری به نحو اجتماع با پذیری از تکامل
جامعه بشری تسبیع میکنند لیکن در عین حال میتوان
پروسه تکامل علم را به نحو مستقل مورد مطالعه قرار
داد و ویژگیهای آن را در مراحل مختلف رشد و تطور
آشکارا شناخت. به این ترتیب توجه به جنبه های ویژه
تکامل هنر در دوران انقلاب مشروطیت بررسی و شناسایی
بغیر در صفحه ۵



رفقا!

پس از باز زدن صفحه "پاسخ به نامه ها" بر تعداد نامه های رسیده افزوده شده است و با سرطبق صوابی که فلاژ آن سخن گفته ایم خود را ملزم به پاسخ کوشی در مقابل آنها می بینیم. ولی هنوز بسیاری از نامه ها امضا و همچنین تاریخ ندارند که نشان امضا ما را در پاسخ کوشی دچار انکال می سازد. بنیمن لحاظ ما قادر به پاسخ آن نیستیم و باید که از رفقا میخواستیم که از هر طریق که می توانستند نامه هایشان را بدست ما برسانند و ما و با ربح نامه ها را فراموش نکنند (امضا با دوحرف فارسی مشخص شود)

در این هفته به برخی نامه های رسیده که با امضا بوده است پاسخ می دهیم:

رفیق D.B.C (دانش آموز) نامه انتقادی آب رسید موردی را که تذکر داده بودی کاملاً صحیح است ما کوشی می کنیم با فرا همی حسن شرایط لازم این بنیمن را بر طرف سازیم. (پس از این نامه ها بنیمن را با حروف فارسی امضا کنید، ممنونیم)

رفیق (م) نامه انتقادات رسد راجع به دیگری که در مورد ادب بودن همگی صفحه خوانندگان داده بودی، کوشش خواهیم کرد که این صفحه تعطیل نگردد. نتایج مواردی هست که دلیل حجم مطالب ضروری که بنا بر آن لطمه بیشتری به کارمان میزند و دلیل محدودیت صفحات نشر به ما اجازت آنرا به هفته بعد موکول می کنیم در مورد اینکه چرا مطالب بیکار رد و باز برنده است، در جای که بیکار در دست خواننده بیشتری دارد، ضمنی تا شبح حرف شما یاد آور می شویم که اگر وقت کرده است، بیکار از زمانی که حمله ارجاعی رژیم به نیروهای انقلابی برای سرکوب و ایجاد محدودیت برای آنان، گسترش یافته و باز برنده است. چرا که از بن زمان بنیمن مکاناب جایی ما محدود گردیده است. ولی قبول می کنیم با این همه امکان در دست چاپ کردن مطالب وجود دارد و در نهایت می کنیم با رفع انکالات (عمده) تکنیکی ادراکین فرصت، تمام و با حداقل بختی از مطالب نشر به در دست چاپ کنیم، بیروزی شد!

رفیق! انکالی که از آن سخن گفته ای، یعنی در بر رسیدن بیکار به دست خوانندگان که ملا در دست می افتد به انکال است. است عمومی، در حال حاضر ما در نهایت هم به این بنیمن را که لطمه جدی به میراث بیکار زده و از ناشرین کاسه است بر طرف کنیم. این انکال اگر چه آنما تکنیکی بوده و با سازهای ارتجاع و احساس محدودیت های فراوان برای سر با انقلابی و کمونیستی را زده دارد. ولی به نوعی موجود ما به این مشکل سرانجامی دادی و از دست ما این همه آمد و از رستم که این انکالات، شما را از تلاشهای بیکارانه و انقلابی آن برای فروش و بردن نشریه میان بوده. ها باز دارد. موفقی باشد!

نامه یک سرباز وظیفه

رفیق م. نامه ای که درباره اهمیت بررسی متخص سربا به داری و وابسته نوشته بودی رسید، هما نظر که نوشته ای بررسی اینگونه مسائل اهمیت بسیاری دارد و ما زمان سردر خود تلاش می کنیم به این مسائل برخورد بیشتری نماید و در این رابطه نیروی لازم را در زمان دهد. بیروزی شد!

رفیق سربا وظیفه ای نامه گویا می برانسان فرستاده که در آن به ششوی مغزی سربا زمان، درجه - داران و... توسط ما زمان سیاسی - ایدئولوژیک و برخی دیگر از مسائل ارتش اشاره کرده است که قسمت ها می از آنرا میخوانید:

"... سربا یک سربا وظیفه میفرستیم، هوادار زمان بیکار و مبلغ نا چیزی که حقوق یک ماهه من است برای شما میفرستیم به مید پیروزی در را ما بودی نظام سربا به داری!... خواهش ما این را بگویم... رفقا در این ارتش... همین فرماندهانی که دست بوس و ذکر شاه (میکنند)... (امروز)... (اسلامی) (شده) (و از اسلام دفاع میکنند)... (آنها) (میگویند) (از ایدئولوژیست) بخواهید و لی کتابهایی که ما به شما بهیم! حق هیچ - کونه بخت و یاد و زحمات من، مطالعه نشیات... راندارد... (در صورت تخلف!) نامه ای می نویسد برای زمان سیاسی - ایدئولوژیک و... (طبق قانون خودشان عمل میکنند) در هفته کلاسهای سیاسی - ایدئولوژیک برای سربا زمان و درجه داران (بیکار) (و هر چه که خود میخواستند میگویند..."

رفیق سربا وظیفه شما میخواستیم که با زهم سربا بنیمن نامه میفرستیم و ما در جریان مسائل درونی ارتش بیکار (امضا مستعرا نامه را فراموش نکنید) موفقی باشد!

اشعار ارسالی رفقا:

پس از گزیده شدن صفحه "هنرمقا و هنر و هنر و هنر" هر هفته تعدادی از اشعار می که رفقا (خوانندگان بیکار) بروده اند به ما می رسد. ما برخی از این آثار را در شماره های گذشته بیکار آورده ایم و در نظر داریم که در مجموعه شعری که در بر گیرنده آثار خوانندگان بیکار است آنها را چاپ کنیم. این مجموعه دومین مجموعه شعری است که از طرف ما زمان منتشر خواهد شد. مجموعه اول تحت عنوان "بیکارگران پای در زنجیر" رسیده

رفیق سربوگ، بهماست اول ما هم منتشر شد. اشعار رفقا: یقی، حسن، ت. کارگر، ج. س. کارگر، ب. ن. کارگر، رفیق کارگر، ت. تبریز، رفیق - ام. سرباز، رفیق مال - کیلان، رفیق ف. معلم، رفیق هیوا - تبریز، رفیق مهری خد زاده، رفیق ک. - رفیق کارگر - خروانی و اشعار دیگر بدون امضا رسیده است. از رفقا میخواستیم که آثار دیگر خود را نیز با خط خوب، همراه با تاریخ و احیاناً مناسبتی که موجب سرودن یا نوشتن آن اثر شده و یا مفاهیم مستعرا برای بیکار و بیفرستند ما رفقا می که در زمینه های دیگر هنری نظیر نمایشنامه نویسی، داستان کوتاه، طراحی، کاریکاتور و... کار کرده اند تا خود را برای ما بفرستند. در پایان آثار می کنیم به برخی از اشعار رسیده از لحاظ محتوا شکل هنری آن ضعف است و اگر چاپ

بقیه از صفحه ۱۲

تداوم ...

شرایطی که صورت گرفت کماکان در وضع فعلی باقی ماند) بخود نصف رقمی که در سال پیش بود تقلیل خواهد شد بافت ۱۰ این امر با توجه به اینکه هم اکنون حدود ۷۰ درصد مواد اولیه کارخانجات صنعتی از خارج وارد میشود از یک طرف رکود و کارخانه تولیدات صنعتی داخلی را بیشتر دامن زده و از طرف دیگر باعث کم شدن عرضه کالا در بازار قیمت اجناس با زهم گراشته خواهد شد. و همچنین رکود تولیدات صنعتی نرخ رشد بیکاری را با زهم بیشتر خواهد کرد.

ثانیاً - در شرایط فعلی امکان کاهش هزینه های دولتی برای رژیم موجود نمی باشد. (۱) بنا بر این دولت ناگزیر است اقدام به چاپ اسکناسهای جدید، حداقل برابر کسری بودجه فعلی بنماید. وجود بیش از اندک پول در دایره گردش در شرایط فعلی (مطابق آمار بانک مرکزی نقدینگی در آخر سال ۵۷ دو برابر سال پیش بود) و افزایش دامن زهم بیشتر پول در بازار از طریق چاپ اسکناسهای جدید و با توجه به تقلیل عرضه کالا در بازار، تورم پولی و بحران موجود با زهم دامن خواهد شد. با این ترتیب درآمدهای آینده با بد منتظر حشرات با زهم بیشتر بحران موجود یعنی با لافتن قیمت اجناس، تورم پولی، بیکاری و رکود اقتصاد می شود. مجموعه این مسائل بطور اجتناب ناپذیری در ارتباط با سیاستهای بورژوازی و فئودالیستی هیئت حاکمه بوده و در آینده "وضع اقتصادی بنیابت مشکلی" را بوجود خواهد آورد.

(۲) - رژیم از مجموع ۲۸۰ میلیارد تومان بودجه عمومی، رقم ۱۸۰ میلیارد تومان یعنی $\frac{1}{2}$ آنرا صرف امور جاری دولت یعنی صرف نگهداری و بازسازی ماشین غول پیگردولتی (بوروکراسی، ارتش، ارگانهای جدید و...) می نماید. با وجودیکه دولت با "پاکسازی" ادارات و ارتش و... می تواند صرفه جویی هایی در این مورد بنماید ولی از طرف دیگر با هزینه هایی که در پیورش نظامی اش در کردستان و گسترده تر سمودن ارگانهای جدید مثل سپاهیان داران، جها دو... می نماید هرگز قادر نیست هزینه مربوط به امور جاری را کاهش دهد. ۱) بقیه بودجه صرف امور عمرانی میگردد، که هرگونه تغییر در این رقم افزایش بیکاری را بدست خواهد داشت.

شددلیل بی توجهی بدان نیست. در آینده کوشش خواهیم کرد در نمودهای نیز به رفقا می که چنین اشعاری را فرستاده اند بهیم. در انتظار رکت هنری فعال رفقا در خدمت به انقلاب و طبقه کارگر، دستتان را می - فشاریم.

رفقا از هر طریقی که میتوانید برایمان
نامه بفرستید، تاریخ و امضای مستعار
نامه هایتان را فراموش نکنید!
به امید پیروزی راهمان!

بیدادگری "دادگاه های انقلاب" علیه انقلابیون و زحمتکشان محکوم است

بغیه از صفحه ۹ مصاحبه ...

کلیه درس‌های با بهای: ادبیات عرب، منطق و اصول و فقہ را خوانده‌ام (که فعلاً البته برایم مهم نیست و هیچ افتخاری هم ندارد). علاوه بر این دروس رسمی، تفسیر المیزان دروس‌های اصول عقایدنا هم کار می‌کردم و تفسیرهای سید رضا مدرّس و نیز درس‌های تفسیر آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت را به که بعداً در کتاب "پرتوی از قرآن" منتشر شد. "دولابها" فرا گرفته‌ام. این بود که آنجا حرفی در برابر من ندا شدند، بعد مطالعات خاص اندوژیک مجاهدین را تا بن خوانده و اطلاع دارم. این نکات را (هر چند جزئی و چه بسا غیر قابل ذکر است) از این لحاظ گفتم که "اندوژیک‌های" جمهوری اسلامی همان حرف‌های ۲۰-۳۰ سال پیش را که در کهنگی و بوسیدگی هنرهای نداد امروز در مطبوعات و رادیو و تلویزیون بعنوان حرف‌های جدید و ناب و "علمی" بگوش جوانان میهن ما فرو می‌کنند! بگذرم.

من پس از آشنائی کامل بازیده‌ترین سخنانی که در باره اسلام زده می‌شد و عمل مجدداً نه بر اساس آن برداشته و در گورن چندین سال مبارزه انقلابی با رژیم خونخوار شاه، ما رکیسم را پذیرفتم، تا کید می‌کنم که قبول ما رکیسم از طرفاً مثال من نه از سرباط اطلالی از ایدئولوژی اسلامی بلکه دقیقاً بخاطر اطلاع از آن بود. آقای منتظری و امثال او برای راضی کردن خود و تحمیل مردم چه تفسیری از کارهای (و هم‌زمانم که برخی از آنها اسناد من بودند) می‌توانند ارائه دهند جزیک دروغ هیئت‌ری! جزیک دروغ رذیله! از نوعی که نقل کردید و این حرفه همیشه ارتجاع علیه کمونیست‌هاست. آقای محمد منتظری، موضع طیفائی است و اجازه نمی‌دهد در کد که رسیدن ما به حقیقت جهان مشمول ما رکیسم است. اینست که تنها ایدئولوژی راه‌های طبقه کارگر در راه نابودی سرمایه‌داری و بی‌انگاری عصر تاریخی جدیدی در حیات انسانها - یعنی سوسیالیسم است - ناشی از است گمیری انقلابی ما بسوی کارگران و زحمتکشان و در مبارزه علیه امپریالیسم است. او و همپایان‌هایش جهان را - علیرغم تمام زاپ‌کشیدن - هایشان در "خورو غلمان" خلاص می‌کنند. در "بهشت" نشان هم بدنبال همین چیزها هستند. عقده‌های سالیان به آنها اجازه نمی‌دهد که چیزی جز این ببینند. آنها می‌گویند و بسن زده آنقدر برت، دروغ، و قبحا نه و رذیله است که فقط آنرا از یک ضد انقلابی تمام عیار را رکیس

(۱) - در حاشیه اضافه می‌کنم که قبل از آیت الله خمینی، آیت الله مطهری در سال ۴۴ به ستایش ما پرداخته بود درست با دهمست جزوهای تهیه کرده بودم راجع به روش مطالعه قرآن و آنرا با ما هدیه شد سعید محسن پیش مطهری بردیم (خانه‌اش هنوز در کوچه در راه زحما بن ری بود) مطهری چنان شادند و آنرا "امیدوارکننده" یافت که بارها احسنت، احسنت گفت. او مرا از قبل می‌شناخت. در سخنرانی‌هایش (که چاپ هم شده) از فعالیت من تلیل کرده بود و یادش بود که یکی از کتابهایش (علل گرایش به مادیگری) را من ادبیت و آما ده چاپ کرده‌ام و بارها بحثها و نکالات عقیدتی اسلامی را در مدرسه مروی با او مطرح نموده بودم. در اینجا از ذکر بر خوردن‌های که با اشخاص دیگر هم سطح او داشته‌ام صرف نظر می‌کنم.

رژیم جمهوری اسلامی، چگونه از زحمتکشان «حمایت» می‌کند!



اواسط فروردین ماه، حدود ۱۴ خانواده زحمتکش توسط حسین بکا، یکی از نمایندگان خرونا هسی (سرپرست بنیاد مسکن) از خوابه‌های جنوب شهر در آپارتمان چند طبقه‌ای که در خیابان حافظ قرار دارد اسکان داده شدند. این ساختمان بیکی از سرمایه‌داران فراری به نام "اشرفی" تعلق داشته و در ضمن فردی به نام (موسی) در آن سهم است. این فرد موفق می‌شود با بارنی بازی و... حکم تخلیه آنرا از آیت الله خرو - ناهی بگیرد. بر اساس حکم مذکور با داران سرمایه روزیست که مردمان با زور و بطرز وحشیانه‌ای ساکنین زحمتکش آنرا بیرون ریختند، و نمونه‌ای دیگر از تحمیل رژیم از مستضعفین را به نمایش گذاشتند. رژیم جمهوری اسلامی که بیش از ۱۷ ماه است در سوختهای تبلیغاتی دم زحمات از زحمتکشان و با بقول خودش مستضعفین می‌زند، هر جا که دستش رسیده در حمایت از سرمایه زحمتکشان را سرکوب کرده است. عکس زیر یکی از این خانواده‌ها را در حالیکه مسائل نشسته‌اند، نشان می‌دهد!

که دقیقاً در صف مقابل کارگران و زحمتکشان قرار دارد می‌توان شنید.

سرمایه‌داران و خرده بورژواهای عقب مانده، در مبارزه با کمونیست‌ها و طبقه کارگر آنقدر بیچاره اند که به چنین ریسانه‌ای بوسیده‌ای جنگ می‌زنند. آقای منتظری و همپایان‌هایش که چندان در "دما" نلانشه (خونهای سگانه حبشی و نفاس و استعاضه) و وصال "خور و غلمان" را از زوومنتهای آمال خود میداند جز گفتم این مزخرفات چه جاره؟! آیا این احقانه نیست که یک فرد مبارزین از این سرمایه‌داران مبارزه‌ای امان، در سال ۵۴، تفسیر ایدئولوژی خود و تبلیغ حقیقت مارکسیسم لنینیسم را آنطور که این شیخ سترمانه منگوید توجیه کند؟!

انقلابیون و کمونیست‌ها در بین مردم نور آگاهی می‌افشانند و این برای ارتجاع بدترین ضربه است و همین دلیل است که چون سگ‌های جان این نیروها می‌افتند، (قسمت آخر ما حیدر در شما رسیده می‌خوانید)

★ ★ ★

کمک‌های مالی دریافت شده

الف	۹۵۰۰	ز	۲۲۰۰	ک	۵۰۰۰
	۳۱۹۰	"	۷۲۲۰	"	۲۲۰۰
	۹۵۰۰	"		"	۱۰۰۰۰
ب	۸۳۰۰	پ	۲۷۰۰	ک	۱۱۸۰۰
	۶۸۰۰	"		"	۳۰۹۰
پ	۹۴۰۰	ص	۲۰۲۸۰۰		
ج	۱۲۴۰۰	ط	۳۰۰۰	م	۱۰۰۰۰
	۹۵۰۰	"		"	۶۲۰۰
ح	۱۲۵۰۰	ع	۶۱۰۰	"	۷۶۱۰
		"	۲۵۰۰	"	۱۲۳۰۰
خ	۱۲۹۰۰	"	۶۰۰۰	"	۲۴۰۰
	۳۰۰۰	"	۴۶۰۰	"	۴۴۱۰
د	۲۲۲۰۰	ف	۱۶۰۰۰	"	۱۰۰۰۰
	۱۰۲۰۰	"	۳۲۲۰	"	۴۰۰۰
	۹۹۰۰	"		"	
	۱۹۴۰۰	"		"	
ر	۱۸۴۰۰	ک	۳۵۰۰	ش	۱۸۰۰۰
ک	۵۱۰۰۰			ک	۳۱۰۰

- ۱ - رفیق کارگر هوادار سازمان ازبکستان مبلغ ۵۰۰ ریال کمک مالی آن رسید.
- ۲ - رفیق کارگر (ازبکی) مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی آن دریافت گردید.
- ۳ - رفقای بیک زحمتکشان جواده! مبلغ ۵۰۰۰ (ریال) کمک مالی شمار رسید.
- ۴ - رفقای هوادار سازمان دریل سیمان و دولت آباد! مبلغ ۶۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت گردید.
- ۵ - رفیق (ازبکی) کارگر شهر داری! مبلغ ۱۵۰۰ ریال کمک مالی آن رسید.
- ۶ - رفیق (ازبکی) ازبک زبیر، مبلغ ۱۸۰۰ ریال کمک مالی آن دریافت گردید.
- ۷ - رفیق (ازبکی) ازبک زبیر، هدیه‌ای رسید.
- ۸ - رفیق قادر ازبک! هدیه‌ای از زنده‌ایات همراه با مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال رسید.
- ۹ - رفقای هوادار سازمان در سید امین، مبلغ ۱۷۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت گردید.
- ۱۰ - رفقای دانشجو هوادار سازمان در سوندا! مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال کمک مالی شمار رسید.

رفقا، دوستان! جیانه کمک‌های مالی شما برای اردیبهشت چهارم در دسترس است. شما را این مورد ذکر دهد.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

www.peykar.org